

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰





۸۳	حس آمیزی	۶	بخش اول – آموزش
۸۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۷	فصل اول: بیان
۸۸	ایهام و ایهام تناسب	۷	تشبیه
۹۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۱۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۹۶	اغراق	۲۲	استعاره و تشخیص
۹۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۳۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۹۹	حسن تعلیل	۳۷	مجاز
۱۰۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۴۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۰۳	اسلوب معادله	۴۴	کنایه
۱۰۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۴۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۰۹	ارسال‌المثل		نموداری برای تشخیص استعاره، مجاز و
۱۱۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۴۹	کنایه از یکدیگر
۱۱۰	نماد	۵۰	فصل دوم: بدیع لفظی
۱۱۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۵۰	واج‌آرایی
۱۱۲	لَفّ و نشر	۵۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۱۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۵۳	سجع (به انضمام ترصیع و موازنه)
۱۱۵	فصل چهارم: قالب‌های شعری	۵۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
	برخی اصطلاحات شعری و قالب‌های	۵۵	جناس و تکرار
۱۱۵	شعر	۵۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۲۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۶۲	فصل سوم: بدیع معنوی
۱۲۴	بخش دوم – آزمون	۶۲	تناسب
	آشنایی با شیوهٔ پاسخگویی سریع به سؤالات	۶۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۲۵	آرایه‌های ادبی	۶۳	تلمیح
۱۲۸	آزمون‌های جامع	۷۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۲۲	بخش سوم – پاسخ‌نامهٔ تشریحی	۷۴	تضمین
۲۲۳	پاسخ‌نامهٔ تشریحی سؤالات فصل ۱ تا ۴	۷۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۶۰	پاسخ‌نامهٔ تشریحی آزمون‌های جامع	۷۶	تضاد (طباق)
۳۷۱	پاسخ‌نامهٔ کلیدی	۷۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۳۷۷	منابع و مأخذ اصلی	۷۸	تناقض (متناقض‌نما - بیان نقیضی - پارادوکس)
		۸۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای



فصل اول: بیان

تشبیه

اگر از بوفهٔ مدرسه یک ساندویچ بخريد که خيلي خشک و سفت باشد، ممکن است هنگام گاززدن به آن حس کنید داريد به یک تکه سنگ گاز می‌زنيد؛ حال اگر این حس خود را بیان کنید از تشبیه استفاده کرده‌اید. در این‌جا دو سمت تشبیه، «ساندویچ» و «سنگ» هستند. آن‌چه واقعاً با آن روبه‌رو هستید یعنی ساندویچ، «مشبه» نامیده می‌شود و آن‌چه ذهن شما شبیه به مشبه دیده، یعنی سنگ، «مشبه‌به» است. این دو، ارکان اصلی تشبیه هستند. اما تشبیه دو رکن دیگر هم دارد: یکی کلمه‌ای که ما به وسیلهٔ آن شباهت را بیان می‌کنیم؛ یعنی کلماتی از قبیل «مانند»، «چون»، «همچون»، «مثل» و ... که ادات تشبیه نامیده می‌شوند؛ و دیگری جنبه یا ویژگی مشترک میان دو سمت تشبیه، که به آن «وجه‌شبه» می‌گوییم. مثلاً در مثال بالا «سفت‌بودن» یا «خشک‌بودن» می‌تواند «وجه‌شبه» باشد.

به مثال زیر دقت کنید:

«اردشیر از درازی مثل نردبان است». در این‌جا «اردشیر» مشبه است، «نردبان» مشبه‌به، «درازی» وجه‌شبه و «مثل» ادات تشبیه است.

تشبیه یعنی مانندکردن چیزی به چیز دیگر به دلیل رابطهٔ همانندی.

هر تشبیه چهار رکن دارد:

- ۱) مشبه: چیزی که آن را به چیزی دیگر تشبیه می‌کنیم.
 - ۲) مشبه‌به: چیزی که مشبه به آن تشبیه شده‌است.
 - ۳) ادات تشبیه: کلمه‌ای که همانندی و شباهت میان مشبه و مشبه‌به را می‌رساند.
 - ۴) وجه‌شبه: جنبه‌ای که مشبه و مشبه‌به از آن جهت به هم شبیه‌اند.
- «علی (مشبه) از لاغری (وجه‌شبه) مانند (ادات تشبیه) سیخ جارو (مشبه‌به) است».

تست در کدام گزینه «تشبیه» وجود دارد؟

- ۱) او با نگرانی به من نگاه می‌کرد؛ اما من سعی می‌کردم به سمت دیگری نگاه کنم.
- ۲) هوا کم‌کم داشت تاریک می‌شد.
- ۳) موهایش مانند شبنم سیاه بود.
- ۴) مطمئن بودم که این سکوت خیلی ادامه نمی‌یابد و او سرانجام به سخن خواهد آمد.

«باخ گزینۀ ۳» با کمی دقت درمی‌یابید که جواب درست، ۳ است. در این جا نویسنده، میان «مو» و «شب» شباهتی حس کرده و آن را بیان کرده‌است. این دو به ترتیب «مشبه» و «مشبه‌به» هستند. «مانند» هم ادات تشبیه است و «سیاه‌بودن» وجه‌شبه است.

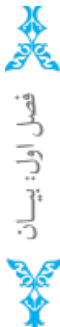
«ست در مصراع روبه‌رو وجه‌شبه کدام است؟» «آسمان، تیره و سنگین، چو یکی پارهٔ سرب»
 (۱) آسمان (۲) تیره و سنگین (۳) چو (۴) پارهٔ سرب
 «باخ گزینۀ ۲» در این بیت «آسمان» مشبه است، «پارهٔ سرب» مشبه‌به است، «چو» ادات تشبیه است و «تیره و سنگین بودن» وجه‌شبه.

ادات تشبیه

در ادامه فهرست برخی ادات تشبیه آورده می‌شود: (ادات تشبیه به این‌ها محدود نمی‌شود؛ هر کلمه‌ای که معنای شبیه‌بودن داشته‌باشد ادات تشبیه است).

شبیبه به	کارد پهن و درازی شبیه به ساطور قضایی به دست گرفته‌بودم.
مانند	بدان که قرآن مانند است به بهشت جاودان.
مثل	زن می‌نشست و مثل جغد او را می‌پایید.
مثال / بر مثال	دل را بر مثال کوشکی یافت.
چو	فرزند عزیز را به صد جهد / بنشانند چو ماه در یکی مهد
چون	آمد سوی کعبه سینه پرچوش / چون کعبه نهاد حلقه در گوش
همچو	از در خانه مرا طرد کند / همچو سنگ از دهن قلماسنگ
همچون	گرچه بیرون تیره بود و سرد همچون ترس / قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون شرم
هم‌چنان که	اعمال ما وابسته به ماست؛ هم‌چنان که روشنایی فسفر به فسفر.
به‌سان	نیامد به دامن به‌سان تو گور / ز چنگم رهایی نیابی، مشور
بر سان	دلبری کجا نام او اشکبوس / همی برخوردید برسانِ کوس
چونان	چاه چونان ژرفی و پهنانش، بی‌شرمیش ناباور
به‌کردار	ز بالا چو پی بر زمین بر نهاد / بیامد فریدون به‌کردار باد
ماننده	چون به بصره رسیدیم از برهنگی و عاجزی به دیوانگان ماننده بودیم.
به‌رنگ	به دور پیمانۀ نگاهت اگر زند لاف می‌فروشی / نفس به‌رنگِ کمند پیچد ز موج می در گلوی مینا

- صیغه‌های صرف‌شده از مصدر ماندن یا مانستن (مانست، می‌ماند، ماند و ...) یا این‌که فعل هستند نقش ادات تشبیه دارند: «زُخْش (مشبه) از سرخی (وجه‌شبه) به گلی سرخ (مشبه‌به) می‌مانست (ادات تشبیه)».
 - نمودن (اگر در معنای به نظر رسیدن به کار رود): «زُخْش (مشبه) از سرخی (وجه‌شبه) گلی سرخ (مشبه‌به) می‌نمود (ادات تشبیه)».
 - واژه‌هایی از قبیل «گویی (گفتی)، انگار، گویا و ...» نیز گاهی به عنوان ادات تشبیه به کار می‌روند: «زُخْش (مشبه) از سرخی (وجه‌شبه) گفתי (ادات تشبیه) گل سرخ (مشبه‌به) بود».
- یا در عبارت «ماه که به وضع غم‌انگیزی ارغوانی‌رنگ بود ستاره را بزرگ‌تر می‌کرد. گویی یک زخم نورافشان است»، «ستاره» مشبه است، «یک زخم نورافشان» مشبه‌به است و «گویی» ادات تشبیه.



- هم‌چنین برخی پسوندها مثل «گون، گونه، وش، سا، آسا، وار، فام و ...» نیز می‌توانند ادات تشبیه قرار بگیرند. این ادات به مشبّه‌به متصل می‌شوند: مثلاً این بیت را در نظر بگیرید: «بار چون در جام می‌بیند رخ گل‌فام را/ عکس رویش چشمه خورشید سازد جام را»، در این بیت «فام» ادات تشبیه است و «گلفام» یعنی مانند گل.
- علاوه بر این‌ها، کلمه «صفت» نیز - با این‌که پسوند نیست - گاهی درست مشابه پسوندهای بالا عمل می‌کند. مثلاً در جمله «با چشم بادام‌صفتش به من نگاه می‌کرد»، کلمه «صفت» ادات تشبیه است و بادام «مشبّه‌به».

تست در کدام‌یک از بیت‌های زیر «ادات تشبیه» به درستی مشخص نشده‌است؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) صحبت بلهان چو دیگ تهی است | از درون خالی، از برون سیاهی است |
| ۲) صاف چون آینه می‌باید شدن با خوب و زشت | هیچ‌چیز از هیچ کس در دل نمی‌باید گرفت |
| ۳) ظاهر نمودن غم پنهانم آرزوست | پروانه‌وار سوختن جانم آرزوست |
| ۴) چهره‌ات شمع پریشان‌شده را می‌ماند | کاکلت دود پریشان‌شده را می‌ماند |

پایخ گزینه «۴» اگر این تست را نتوانسته‌اید پاسخ دهید پیشنهاد می‌کنم یک بار دیگر کادر مربوط به ادات تشبیه را بخوانید! در «۴» «می‌ماند» ادات تشبیه است نه «شده».

تست در کدام‌یک از مصرع‌های زیر «ادات تشبیه» به درستی ذکر نشده‌است؟

- | | |
|----------------------------------|------------------------|
| ۱) یکی تیر الماس‌پیکان چو آب | (ادات تشبیه: چو) |
| ۲) دو چشمش به‌سان دو نرگس به باغ | (ادات تشبیه: به‌سان) |
| ۳) ز سر تا به پایش به‌کردار عاج | (ادات تشبیه: به‌کردار) |
| ۴) برافروخت، گلنارگون کرد روی | (ادات تشبیه: روی) |

پایخ گزینه «۴» در این گزینه «روی» (چهره) مشبّه است و «گلنار» مشبّه‌به و ادات تشبیه «گون».

معانی مختلف «چو» و «چون»

باید حواستان باشد که «چو» و «چون» همیشه ادات تشبیه نیستند. «چو» و «چون» تنها هنگامی ادات تشبیه شمرده می‌شوند که در معنای «شبهات» به کار روند.

برخی از رایج‌ترین معانی «چو» و «چون»:

- «چو» و «چون» در معنی «هنگامی که»:
- چو کلاه برون آمد از پیش شاه
 بشنو این نی چون شکایت می‌کند
- «چون» در معنی «به این دلیل که»:

چون هر چه کنم به گمان خواهد بود، این گمان در حق خویش برم، بهتر.

- «چون» در معنی «چگونه» یا «چرا»: «چون» گاهی بر وزن «دون» تلفظ می‌شود و به معنی چگونه است. بگفتا عشق شیرین بر تو چون است؟ بگفت از جان شیرینم فزون است

عطا از خلق چون جویی، گر او را مال‌ده گویی؟ به سوی عیب چون پویی، گر او را غیب‌دان بینی؟

- «چون» (بر وزن «دون») در معنی «چگونگی» و «امکان تردید»: برتر ز چند و چون جبروت و جلال او.



- «چون» در معنی «اگر»:
 - «جو» و «چون» در معنی «شبهت»:
- محال است چون دوست دارد تو را
 که در دست دشمن گذارد تو را
- در بُن این پُردۀ نیلوفری
 بی‌آورد ضحاک را چون نؤند
- کیست کند با چو منی همسری؟
 به کوه دماوند کردش به بند

تست در کدام یک از بیت‌های زیر کلمه مشخص شده «ادات تشبیه» است؟

- ۱) شنید از من چو دلمدارم، حدیث عشق و مستی را
 - ۲) عشق آن شعله است کاو چون بر فروخت
 - ۳) در تنگنای ظلمت هستی چه مانده‌ام؟
 - ۴) سال‌ها در جست‌وجویش دست و پای می‌زدیم
- پاخ** گزینه «۳» در این گزینه «چو» در معنی «مانند» آمده و «ادات تشبیه» است. در گزینه‌های دیگر «چو» و «چون» همگی در معنای «هنگامی که» آمده‌اند و ادات تشبیه نیستند.

تست در کدام یک از بیت‌های زیر کلمه مشخص شده «ادات تشبیه» نیست؟

- ۱) تو مثل خنده گل، مثل خواب پروانه
 - ۲) ای یار دوردست که دل می‌بری هنوز
 - ۳) دل گرفته من همچو ابر بارانی
 - ۴) تو سیه چشم چو آبی به تماشای چمن
- پاخ** گزینه «۴» در این گزینه «چو» در معنای «هنگامی که» یا «اگر» به کار رفته است نه معنای «شبهت». در دیگر گزینه‌ها کلمه مشخص شده معنای شبهت دارد و ادات تشبیه است.

تست در کدام یک از بیت‌های زیر «ادات تشبیه» به درستی ذکر نشده است؟

- ۱) چند سرگشته دویدم چو فلک تا آخر
 - ۲) یار چون در جام می‌بیند رخ گل‌فام را
 - ۳) کنیزان و غلامان گرد خرگاه
 - ۴) گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم
- پاخ** گزینه «۲» در این گزینه «چون» در معنی «هنگامی که» به کار رفته و ادات تشبیه نیست. ادات تشبیه این بیت «فام» است.

ترتیب ارکان در تشبیه

در تشبیه هیچ ترتیب مشخصی برای ارکان وجود ندارد؛ یعنی هیچ دلیلی وجود ندارد که مشبّه پیش از مشبّه‌به بیاید.

شاید بپرسید خوب! چه‌طور بفهمیم کدام مشبّه است و کدام مشبّه‌به؟ راه اول و صحیح‌تر این است که سعی کنید بیت را بفهمید، برای این کار نخست باید جمله را مرتب کنید؛ مثلاً مصراع «چون عقده‌ای به بغض فرو بود حرف عشق» را اگر مرتب کنیم، می‌شود: «حرف عشق، چون عقده‌ای، به بغض فرو بود». در این جا به راحتی متوجه می‌شوید که مشبّه کدام و مشبّه‌به کدام است. راه دیگر و ساده‌تر این است که به ادات تشبیه توجه کنید؛ آن چه بلافاصله بعد از ادات تشبیه می‌آید اغلب اوقات مشبّه‌به است.^۱



۱. استثنایی بر این قاعده وجود دارد، از جمله وقتی که ادات تشبیه به صورت فعل یا پسوند بیاید.



این جا ادات تشبیه «چون» است و «عقده» که بلافاصله بعد از آن آمده، مشبّه به. بنابراین مشبّه باید «حرف عشق» باشد. اگر نتوانستید از این دو راه استفاده کنید، سعی کنید بفهمید که بیت دارد راجع به چه چیزی حرف می‌زند، آن چیز مشبّه خواهد بود. یعنی چه؟ مثلاً فرض کنید در بیت «چون بتابد آفتاب معرفت / از سپهر این ره عالی‌صفت» از مثنوی معنوی، به ترکیب «آفتاب معرفت» برمی‌خورید؛ و از خودتان می‌پرسید معرفت به آفتاب تشبیه شده یا آفتاب به معرفت؟ با نگاهی به بیت و فضای آن، متوجه می‌شوید بیت در باب معرفت است؛ پس منطقی‌تر است که شاعر درباره معرفت صحبت کرده باشد (معرفت مشبّه باشد) و برای نشان دادن میزان روشننگری، آن را به آفتاب تشبیه کرده باشد.

تست در بیت زیر «مشبّه به» کدام است؟

«یک نصف خون تازه و یک نصف مُشکِ تر / چون نافه غزالِ تارانند لاله‌ها» (مأب تبریزی)

(۱) خون تازه (۲) مشکِ تر (۳) نافه غزال (۴) لاله‌ها

پاسخ گزینه «۳» همان‌طور که گفتیم آن‌چه بعد از ادات تشبیه ذکر می‌شود اغلب اوقات مشبّه به است، این‌جا نیز «نافه» یا «نافه غزال تار» (غزال تار یا غزال تاتار: نوعی آهو) مشبّه به است. «لاله‌ها» از جهت «سرخ و خوشبویی» (یک نصف خون تازه و یک نصف مشک تر) به «نافه آهو» تشبیه شده‌اند.

حذف برخی از ارکان تشبیه

بسیاری از اوقات بعضی از ارکان تشبیه حاضر نیستند. مثلاً می‌گوییم «اردشیر مٔ نردبونه» (وجه‌شبه یعنی «از درازی» حذف شده)؛ یا مثلاً می‌گوییم «اردشیر از درازی، نردبونه برا خودش!» (در این‌جا ادات تشبیه یعنی «مٔ» حذف شده)؛ یا اصلاً کار را یک‌سره می‌کنیم و می‌گوییم: «اردشیر نردبونه برا خودش!» (هم وجه‌شبه و هم ادات تشبیه حذف شده و فقط مشبّه و مشبّه به آمده‌اند).

تست در مصراع «جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ» کدام رکن تشبیه محذوف است؟

(۱) ادات تشبیه (۲) وجه‌شبه (۳) مشبّه (۴) مشبّه به

پاسخ گزینه «۲» در این‌جا دو تشبیه وجود دارد؛ «جهان» (مشبّه) «چون» (ادات تشبیه) «شب» (مشبّه به)؛ و «تیغ‌ها» (مشبّه) «چون» (ادات تشبیه) «چراغ» (مشبّه به). در هر دو تشبیه، همان‌طور که می‌بینید وجه‌شبه (در اولی تاریکی و سیاهی و در دومی روشنایی و درخشش) حذف شده‌است.

تست در بیت «مرا ستاره صبحی که هرچه کوشیدم / شد آخر از نظرم ناپدید، مادر بود»، کدام رکن تشبیه محذوف است؟

(۱) ادات تشبیه (۲) مشبّه (۳) مشبّه به (۴) وجه‌شبه

پاسخ گزینه «۱» با مرتب‌کردن و کمی تغییر، بیت به این صورت درمی‌آید: «مادر، برای من، ستاره صبحی بود که هرچه کوشیدم، آخر از نظرم ناپدید شد». در این‌جا «مادر» مشبّه است و «ستاره صبح» مشبّه به، و «ناپدیدشدن» وجه‌شبه.

اضافه تشبیهی

گفتیم که گاهی (یا شاید اغلب اوقات) برخی از ارکان تشبیه حذف می‌شوند، یعنی کم‌تر پیش می‌آید که تشبیهی با همه ارکان بیاید. شاعران بیش از همه به حذف وجه‌شبه علاقه نشان می‌دهند، چرا که تلاش خواننده برای پیدا کردن وجه‌شبه، خود می‌تواند لذت‌بخش باشد. هم‌چنین اشاره کردیم که گاهی علاوه بر



وجه‌شبه، ادات تشبیه نیز حذف می‌شود؛ یعنی تنها مشبّه و مشبّه‌به (دو سمت اصلی تشبیه) می‌آیند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

علی در دلاوری مانند شیر است. (تشبیه با ذکر تمام ارکان آن)

علی مانند شیر است. (تشبیه با حذف وجه‌شبه)

علی در دلاوری شیر است. (تشبیه با حذف ادات تشبیه)

علی شیر است. (تشبیه با حذف وجه‌شبه و ادات تشبیه)

به تشبیه‌هایی که در آن وجه‌شبه و ادات تشبیه هر دو حذف می‌شوند «تشبیه بلیغ» گفته می‌شود. تشبیه بلیغ می‌تواند به دو شکل واقع شود:

(۱) تشبیه بلیغ اسنادی: مشبّه و مشبّه‌به در قالب یک جمله اسنادی بیان می‌شوند؛ یعنی با الگوی زیر:

«الف، ب است / شد / بود / باشد / گشت / گردید» (الف: مشبّه؛ ب: مشبّه‌به)

مثال اردشیر گل است.

مثال ادبی تر (۱): همه رزمگه، کوه فولاد گشت

گاهی هم نهاد جدا، به قرینه شناسه حذف می‌شود و یافتن تشبیه کمی دشوارتر می‌شود. برای مثال «شیری و منم شکار در نیچه تو» که در آن ضمیر «تو» که مشبّه بوده به قرینه شناسه حذف شده و فعل دوم نیز کمی جابه‌جا شده و بعد از «من» ظاهر شده؛ یعنی جمله اصلی این بوده: «تو شیر هستی و من شکاری در نیچه تو هستم» که در آن دو تشبیه بلیغ اسنادی وجود دارد.

(۲) تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیه‌ای): اضافه تشبیه‌ای به معنی آمدن «مشبّه» و «مشبّه‌به» به صورت اضافه (با کسره در بین‌شان) است. یعنی باید تشبیه‌ی در کار باشد؛ بعد اگر این دو رکن اصلی تشبیه، کسره‌ای در بینشان وجود داشته‌باشد، می‌توانیم از وجود اضافه تشبیه‌ی حرف بزنییم. الگوی اضافه تشبیه‌ی الگوی زیر است:

(۱) (۲)

الف — ب یا «ب — الف» (الف: مشبّه؛ ب: مشبّه‌به)

مثال خورشید گل گل خورشید

مثال ادبی تر (۱): لب لعل (الف — ب)؛ باران رحمت (ب — الف)

حواستان باشد که اولاً آمدن « — » بین دو کلمه الزاماً نشانگر اضافه تشبیه‌ی نیست؛ مثلاً «درخت بلند» یا «کتاب علی» یا «کشور ایران» یا «میز مطالعه» و مانند آن، هیچ‌کدام اضافه تشبیه‌ی نیستند؛ چون اصلاً در آن‌ها تشبیه‌ی در کار نیست، درخت مانند بلند نیست، بلکه بلند ویژگی آن است. کتاب مانند علی نیست بلکه علی صاحب کتاب است و ...

ثانیاً هر تشبیه‌ی هم اضافه تشبیه‌ی نیست؛ یعنی باید حتماً این تشبیه با کسره بیان شود تا اضافه تشبیه‌ی در کار باشد. «گل‌رخ» اگر چه از مشبّه و مشبّه‌به تشکیل شده ولی اضافه تشبیه‌ی نیست؛ چون کسره‌ای در کار نیست!

هر جا بتوانیم «مانند» اضافه کنیم، تشبیه وجود دارد: فرهاد شدم ← [مانند] فرهاد شدم ← تشبیه من به فرهاد.

در هر اضافه تشبیه‌ی باید دو شرط رعایت شده‌باشد: اول این‌که اضافه (مضاف و مضاف‌الیه) باشد و بین دو اسم کسره آمده‌باشد، دوم این‌که شباهت وجود داشته‌باشد و در آن مشبّه و مشبّه‌به حاضر باشند. چند مثال برای اضافه تشبیه‌ی از کتاب‌های درسی: باران رحمت، آینه دل، بار امانت، خورشید عمر، دانه انسان، فرعون تخیل، سراچه ذهن، فراش باد صبا، دایه ابر بهاری، اطفال شاخ، کشتی عشق و ...

تست در کدام گزینه هر دو ترکیب ذکر شده، «اضافه تشبیهی» است؟

- ۱) بوم محنت، باران محبت
 ۲) مهد زمین، مبتلای عشق
 ۳) ستوده اهل حقیقت، آتش هجران
 ۴) کلاه شکوفه، صنم گریزیا

پاخ گزینه «۱» «محنت» مانند «بوم (جغد)» است و «محبت» مانند «باران». در گزینه‌های دیگر ترکیب‌های «مبتلای عشق» و «ستوده اهل حقیقت» اضافه تشبیهی نیستند و «صنم گریزیا» هم اصلاً ترکیب اضافی نیست؛ بلکه موصوف و صفت (ترکیب وصفی) است.

تست در مصراع اول بیت «تورا آتش عشق اگر پر بسوخت / مرا بین که از پای تا سر بسوخت»، کدام یک از ارکان تشبیه محذوف است؟

- ۱) وجه شبه
 ۲) مشبّه‌به
 ۳) مشبّه
 ۴) ادات تشبیه
- پاخ** گزینه «۴» مشبّه: عشق. مشبّه‌به: آتش. وجه شبه: سوزاندن.

تست ترکیب موجود در کدام گزینه اضافه تشبیهی است؟

- ۱) خوهای اهریمنی
 ۲) پادشاه ماردوش
 ۳) درفش کاویان
 ۴) تخم نیکی

پاخ گزینه «۴» در این گزینه، نیکی به تخم (بذر) مانند شده که قابل کاشتن است. گزینه‌های دیگر، همگی ترکیب وصفی (موصوف و صفت) هستند و اصلاً اضافه (مضاف و مضاف‌الیه) نیستند.

تست در کدام بیت «اضافه تشبیهی» به کار نرفته است؟

- ۱) سر ما فرو نیاید، به کمان ابروی کس
 ۲) سزدم چو ابر بهمن، که بر این چمن بگیرم
 ۳) شب ظلمت و بیابان به کجا توان رسیدن؟
 ۴) سر درس عشق دارد، دل دردمند حافظ
 که درون گوشه‌گیران، ز جهان فراغ دارد
 طرب‌آشیان بلبل، بنگر که زاغ دارد
 مگر آن‌که شمع رویت، به رهم چراغ دارد
 که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد

پاخ گزینه «۲» در این بیت «ابر بهمن» و «آشیان بلبل» هیچ‌کدام اضافه تشبیهی نیستند. گزینه «۱» «کمان ابرو»، در «شمع رو» و در «۴» «درس عشق» اضافه تشبیهی هستند (ابرو مانند کمان است؛ رو (چهره) مانند شمع است؛ عشق مانند درس است).

تشبیه مرکب^۱

گاهی در تشبیه، مشبّه از دو چیز تشکیل شده، و مشبّه‌به نیز از دو چیز دیگر. در چنین تشبیه‌هایی، وجه شباهت، رابطه این دو چیز با هم است؛ یا حاصل جمع شدن آن‌ها با هم، یا نتیجه حاصل از آن‌ها. برای مثال فرض کنید اردشیر کفش‌های کتانی با شلوار مردانه پوشیده باشد و من بگویم: کفش‌های کتونی اردشیر با شلوار مردونه‌اش مثل خوردن چلوکباب با سس پاستاست! کفش کتانی یا شلوار مردانه هیچ‌کدام شبیه چلوکباب یا سس پاستا نیستند؛ بلکه «پوشیدن کتانی یا شلوار مردانه» (مشبّه) شبیه به «خوردن چلوکباب با سس پاستا» (مشبّه‌به) است؛ یعنی هر کدام از مشبّه و مشبّه‌به دو چیز هستند و وجه شبه، نتیجه حاصل از آن‌هاست؛ ناهمسازی و عدم تناسب میان دو چیز.

پاورقی

۱. نام تشبیه مرکب در سؤالات کنکور ذکر نمی‌شود، اما برخی تست‌های کنکور نشان می‌دهند که یادگیری این مبحث لازم است. برای مثال گاهی در تست پرسیده می‌شود که تشبیه در کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؛ و تنها در یک گزینه، تشبیه مرکب وجود دارد.



مثال ادبی‌تر: «دیدۀ اهل طمع به نعمت دنیا پر نشود هم‌چنان که چاه به شبنم» (سعدی)
 در این‌جا مشبّه «پرشدن دیدۀ اهل طمع با نعمت دنیا» ست و مشبّه‌به «پرشدن چاه با شبنم»؛ وجه‌شبه «ناتوانی در پرکردن حجمی بسیار زیاد با دانه‌های بسیار ریز» است و ادات تشبیه «هم‌چنان». در این‌جا چشم انسان طعمکار شبیه به چاه نیست، نعمت دنیا هم شبیه به شبنم نیست؛ ولی موضوع این است: همان‌طور که چاه با شبنم پر نمی‌شود، چشم انسان طعمکار نیز با نعمت دنیا پر نمی‌شود (از نعمت‌های دنیایی سیر نمی‌شود). این شباهت میان نتیجه حاصل از اجزای مشبّه و نتیجه حاصل از اجزای مشبّه‌به وجود دارد نه میان خود اجزا.

مثالی از کتاب درسی: «اعمال ما وابسته به ماست؛ هم‌چنان که روشنایی فسفر به فسفر» (آدم‌شیر)
 در این‌جا نیز وابستگی اعمال ما به ما، به وابستگی روشنایی فسفر به فسفر تشبیه شده‌است و تشبیه مرکب است.

تشبیه مرکب: تشبیهی است که در آن مشبّه و مشبّه‌به، هر کدام از دو چیز تشکیل شده است و وجه‌شبه یا رابطه این چیزها با هم است؛ یا حاصل جمع شدن آن‌ها با هم؛ یا نتیجه حاصل از آن‌ها.
مثال ۱ هر که علم خواند و عمل نکرد، بدان ماند که گاو راند و تخم نیفشاند. (سعدی)
 (مشبّه: هر که علم خواند و عمل نکرد؛ وجه‌شبه: بی‌بهره ماندن از عمل خود (این وجه‌شبه را خودمان با توجه به مشبّه و مشبّه‌به دریافته‌ایم)؛ مشبّه‌به: آن که گاو راند و تخم نیفشاند).
مثال ۲ خود رستم و عاشق شدم، آن گیسوی پرتاب را چون ماهی‌ای کوفاکند، برحلق خود قلاب (آقای شهبازی)
 (مشبّه: عاشق شدن شاعر به گیسوی پریچ و خم معشوق؛ مشبّه‌به: ماهی‌ای که با دست خود قلاب را به گلویش می‌اندازد! وجه‌شبه: انتخاب آگاهانه دشواری و سختی)

تست در کدام بیت، مصراع اول «مشبّه» و مصراع دوم «مشبّه‌به» است؟

- ۱) عشق دانی چیست؟ سلطانی که هر جا خیمه زد
- ۲) ماه خورشیدنماتیش ز پس پرده زلف
- ۳) ز خلق، گوی لطافت تو برده‌ای امروز
- ۴) ای زلف تو کمندی، ابروی تو کمانی

پایخ گزینه «۲» در این گزینه با سه تشبیه سر و کار داریم: دوتا ساده (ماه مانند خورشید او؛ چهره مانند

خورشیدش / زلف مانند پرده‌اش) و دیگری مرکب: «چهره مانند خورشید او از پس زلف مانند پرده‌اش» مثل آفتابی است که ابری جلوی آن باشد» که بخش اول آن مشبّه و بخش دوم آن مشبّه‌به است.

تست در کدام بیت طرفین تشبیه، فقط یک کلمه نیست؟

- ۱) خداوندا شبم را روز گردان
- ۲) شبی دارم سیاه از صبح نومید
- ۳) ندارم طاققت این کوره تنگ
- ۴) چو بر زد آتش مشرق زبانه

پایخ گزینه «۳» می‌دانیم که مقصود از طرفین تشبیه، مشبّه و مشبّه‌به است. در این بیت شاعر

«خلاص شدنش از کوره تنگ» را به «جدا شدن لعل (جوهر) از سنگ» تشبیه کرده‌است (جوهرات را از دل سنگ‌ها درمی‌آورند).

چند نکته درباره تشبیه:

● گاهی اضافه تشبیهی با رای فک اضافه می‌آید؛ یعنی کسره اضافه حذف شده، به جای آن حرف «را» می‌آید (و بسیاری از اوقات جای مضاف و مضاف‌الیه عوض می‌شود). برای مثال، شاعر به جای آن که بگوید «میدان حرص» می‌گوید: «حرص را میدان»، یا به جای «روزن رزق» می‌گوید «رزق را روزن بس فراخ است حرص را میدان سخت تنگ است رزق را روزن

● گاهی در بیت، کلمه مرکبی وجود دارد که فشرده یک جمله دارای تشبیه است. مثلاً خیام در بیتی می‌گوید:

هر که با پولادبازو پنجه کرد خاطر مسکین خود را رنجه کرد
در این جا کلمه مرکب «پولادبازو» را داریم که در حقیقت فشرده این جمله تشبیهی است: «شخصی که بازوی او مانند پولاد است»؛ یا مثلاً کلمه «گل چهره» یعنی کسی که چهره او مانند گل است.

● گاهی تشبیه، به صورت «بدل» به کار می‌رود؛ یعنی یک وصف که جای واقعی آن بعد از یک اسم است، بدون هیچ کسره‌ای، و می‌توان دو طرف آن وصف علامت ویرگول گذاشت، و این وصف یا بدل نقش مشبّه را بازی می‌کند:

«ماه، این مشعل آسمانی، سرتاسر دشت را روشن ساخته بود».

● برخی تشبیه‌ها بر پایه مساوی دانستن مشبّه و مشبّه‌به شکل می‌گیرند که معمولاً با کلماتی مثل «یا» یا «خواه ... خواه ...» می‌آیند: «لب توست یا چشمه کوثرست» که یعنی «لب تو» با «چشمه کوثر» فرقی ندارد و در حقیقت: لب تو مانند چشمه کوثر است.

● گاهی در تشبیه، شاعر مشبّه را بر مشبّه‌به ترجیح و برتری می‌دهد و تشبیه به شکلی ظریف‌تر و دشوارتر بیان می‌شود.

مثلاً می‌گوید: «گل، نسخه جمال ز رویت گرفته‌است» که یعنی گل زیبایی‌اش را از روی تو گرفته‌است، و در حقیقت به شکلی ظریف روی معشوق را به گل تشبیه کرده و بر آن برتری داده‌است. این نوع تشبیه را تشبیه «تفضیل» یا «مرجح» می‌نامند.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

(نشان ۸۲)

۱- در کدام عبارت آرایه «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) هوا همچون نگاه وحشتناک غارها حرکتی نداشت.
- ۲) شیهه چند اسب بی‌شکیب، سکوت را در هم می‌شکست.
- ۳) سوسوی چند مشعل، پرده سیاه شب را می‌درید.
- ۴) او در یک شب ظلمانی چون اختری روشن و پرفروغ از تاریکی و سیاهی گریخت.

۲- در کدام گزینه «تشبیه» وجود دارد؟

- ۱) چه خوش روزی بُود روز جدایی
 - ۲) گر اتمیدت نماند وای جانم
 - ۳) منم چون شاخ تشنه در بهاران
 - ۴) چه باشد گر خورم صد سال تیمار
- اگر با وی نباشد بی‌وفایی
که بی‌اتمید یک ساعت نامم
تویی همچون هوای ابر و باران
چو بینم دوست را یک روز دیدار



۳- در کدام گزینه «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) پاکیزه‌تنی چو نقره خام
- ۲) شیشه صاف از می دلکش
- ۳) مجلس آراستند و می خوردند
- ۴) لب دریاست چون لب دلبر

۴- در کدام یک از ابیات زیر «تشبیه» به کار رفته است؟

- ۱) جاننا دلم چو عود بر آتش بسوختی
- ۲) از آب دیده چو طوفان نوح شد همه مرو
- ۳) شبی چو روز فراقِ بتان، سیاه و دراز
- ۴) تا با تو راز گویم و فارغ شوم می

۵- در ابیات مربوط به کدام گزینه، در هر مصرع یک تشبیه به کار رفته است؟

- الف) همچو روی عاشقان بینم به زردی روی باغ
 - ب) چه دریایی! چه طوفانی! که من در پیچ و تاب آن
 - ج) بوی شیر از لب همچون شکرش می آید
 - د) هوا چو بیشه‌الماس گردد از شمشیر
- ۱) ب، د ۲) الف، ج ۳) ب، ج ۴) الف، د

۶- در کدام یک از بیت‌های زیر «تشبیه» وجود دارد؟

- ۱) با من بی‌کس تنه‌اشده، یارا تو بمان
- ۲) ز سوز تب نمی‌نالم، طیبیا درد سر کم کن
- ۳) خیال‌انگیز و جان‌پرور، چو بوی گل سراپایی
- ۴) واعظان کاین جلوه بر محراب و منبر می‌کنند

(نثاری ۷۹)

۷- در کدام گزینه هر چهار پایه «تشبیه» ذکر شده است؟

- ۱) ایام گل چو عمر، به رفتن شتاب کرد
- ۲) تو سرو جو بیاری، تو لاله بهاری
- ۳) چو دریای خون شد همه دشت و راغ
- ۴) گه نیم کوهم ز صبر و حلم و داد

۸- در همه گزینه‌ها به جز گزینه دو تشبیه به کار رفته است.

- ۱) تو را در دل درخت مهربانی
- ۲) دلم در بند تنهایی بفرسود
- ۳) قرار در کف آزادگان نگیرد مال
- ۴) هلاک ما چنان مهمل گرفتند

(رایتی ۹۸)

۹- در کدام تشبیه «وجه‌شبه» ذکر نشده است؟

- ۱) چون مار زخم‌خورده دل افتد به پیچ و تاب
- ۲) چون رخ من شده است رنگ زمین
- ۳) جهان چون نی هزاران ناله دارد
- ۴) در وفای عشق تو مشهور خوابم چو شمع

- هرگه که باد طره پیچان کند تو را
چون دم من شده است طبع زمان
که یک نی دیدد از شگرتانی؟
شب‌نشین کوی سربازان و زندانم چو شمع



۱۰- در کدام گزینه «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) تو آن درخت گلی کاعتدال قامت تو
 ۲) ز خون، رود گفتی میستان شده‌است
 ۳) زلف دلدار چو زتار همی فرماید
 ۴) آسمان‌وار است دامنِ مرادِ ناکسان
- ببرد قیمتِ سرو بلندبالا را
 ز نیزه هوا چون نیستان شده‌است
 برو ای شیخ که شد بر تن ما خرقة حرام
 گر مرا پیونداری نیست، گو هرگز مباح

۱۱- در همهٔ ابیات زیر آرایهٔ «تشبیه» وجود دارد به جز گزینهٔ

- ۱) زلف زربین تو شعله‌رنگ است
 ۲) که را رسد که کند عیب دامن پاکت
 ۳) کس چون غم زلیخا یوسف ندیده داند
 ۴) بینده‌وار آمدم به زنه‌ارت
- با دلم شعله‌آسا به جنگ است
 که همچو قطره که بر برگ گل چکد پاکی
 دست بریده حالش دست بریده داند
 که ندارم سلاح پیکارت

۱۲- از میان ابیات زیر کدام بیت‌ها دارای آرایهٔ «تشبیه» هستند؟

- الف) مردم چشمم که می‌گردد به گرد روی تو
 ب) از پای تا سر چشم شو، حسن و جمالش را نگر
 ج) لحظه‌های عمر بی‌سامان، می‌رود سنگین
 د) هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق
 ه) هر میی کز کف ساقی غمت کردم نوش
- طفل را ماند که در مهتاب بازی می‌کند
 ور ره نیابی سوی او، بنشین جمالش را نگر
 اشک خون‌آلوده‌ام دامن، می‌کند رنگین
 بر او نمرده به فتوای من نماز کنید
 گویا خون جگر بود که در ساغر کرد

- ۱) الف، ج، د
 ۲) الف، ب، ه
 ۳) ب، ج، ه
 ۴) ج، د، ه

۱۳- در کدام بیت با دو «تشبیه» روبه‌رو هستیم؟

- ۱) چون آینه، جان نقش تو در دل بگرفته‌است
 ۲) جرم گردون تیره و روشن در او آیات صبح
 ۳) آن شاخه‌های نارنج، اندر میانِ ابر
 ۴) چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب
- دل در سر زلف تو، فرورفته چو شانه است
 گویی اندر جان نادان، خاطر داناستی
 چون پاره‌های اخگر، اندر میان دود
 مه‌رم به جان رسید و به عتیوق بر شدم

۱۴- در ابیات مربوط به کدام گزینه، هر مصرع یک تشبیه دارد؟

- الف) منقل در آر چون دل عاشق که حجره را
 ب) بساطی سبز چون جان خردمند
 ج) مجلس چو گرم گردد چون آه عاشقان
 د) همچو گلبرگ طری هست وجود تو لطیف
- رنگ سرشک عاشق شیدا برافکند
 هوایی معتدل چون مهر فرزند
 می راز عاشقان شکویا برافکند
 همچو سرو چمن خلد، سراپای تو خوش

- ۱) الف، ب
 ۲) الف، ج
 ۳) ب، ج
 ۴) ب، د

۱۵- در کدام بیت زیر «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) چشم جادوی تو خود عینِ سوادِ سحر است
 ۲) در خمِ زلف تو آن خالِ سیه دانی چیست؟
 ۳) زلف مشکین تو در گلشن فردوسِ عذار
 ۴) تا سر زلف تو در دست نسیم افتاده است
- لیکن این هست که این نسخه سقیم افتاده‌است
 نقطهٔ دوده که در حلقهٔ جیم افتاده‌است
 چیست؟ طاووس که در باغ نعیم افتاده‌است
 دل سودازده از غصهٔ دونیم افتاده‌است

۱۶- در عبارت «به نام آن خدای که مهر او بلانشینان را کشتی نوح است»، «مشبه» کدام است؟

- ۱) بلانشینان
 ۲) کشتی
 ۳) نام
 ۴) مهر



۱۷- در بیت زیر به ترتیب «مشبّه، مشبّه‌به و وجه‌شبهه» کدام‌اند؟

- «گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه
 ۱) تو (گفتا)، خاک (اول)، خواننده‌ای
 ۲) تو (برو)، خاک (دوم)، تحمل کن
 ۳) فقیه، خاک (اول)، تحمل کن
 ۴) فقیه، خاک (دوم)، خواننده‌ای
- ۱۸- در همة گزینه‌ها، به جز گزینه، «اضافه تشبیهی» به کار رفته‌است.
 ۱) در اعماق دریاها و اوج آسمان‌ها تو را می‌جویند.
 ۲) غواص خرد، بازیچه کوچک‌ترین موجش می‌گردد.
 ۳) گهواره لرزان زمین، با کوه‌های گران‌سنگ، استوار گردید.
 ۴) هستی خود را در اقیانوس بی‌کران وجود محو خواهند کرد.

۱۹- در کدام گزینه تشبیه نمی‌یابد؟

- ۱) کمانِ ابرویش را گو بزن تیر
 ۲) بر آبی ای آفتاب صبح امید
 ۳) غم گیتی گر از پایم درآرد
 ۴) چو طفلان تا کی ای زاهد فریبی
- که پیش دست و بازویش بمیرم
 که در دست شب هجران اسیرم
 به جز ساغر که باشد دستگیرم؟
 به سیب بوستان و شهد و شیرم

۲۰- در کدام گزینه دو «اضافه تشبیهی» به کار رفته‌است؟

- ۱) نه باغ ماند و نه بستان که سرو قامت تو
 ۲) تابسته بند اجل خویش نگردیم
 ۳) دوست دارم که بیوشی رخ همچون قمرت
 ۴) همه قبیله من عالمان دین بودند
- برست و ولوله در باغ و بوستان انداخت
 از بند غم عشق تو آزاد مبادیم
 تا چو خورشید نبیند به هر بام و درت
 مرا معلم عشق تو شاعری آموخت

۲۱- در کدام یک از بیت‌های زیر «ادات تشبیه» ذکر شده‌است؟

- ۱) منم ابر و تویی گلبن، که می‌خندی چو می‌گیرم
 ۲) نه عجب اگر به عالم، اثری نماند از ما
 ۳) آن روشنی که چون به پیاله فرو چکد
 ۴) بر ما ز آب دیده، شب دوش تا به روز
- تویی مهر و منم اختر، که می‌میرم چو می‌آبی
 که بر آسمان نبینی، اثر از شهاب ماند
 گویی عقیق سرخ به لؤلؤ فروچکید
 باران محنت آمد و سیل بلا گذشت

۲۲- در کدام گزینه تشبیه دیده نمی‌شود؟

- ۱) وقتی اگر برانام بنده دوزخم بکن
 ۲) با دوستان خویش نگو می‌کند چنانک
 ۳) یوسف شنیده‌ای که به چاهی اسیر ماند
 ۴) در تنگنای ظلمت هستی چه مانده‌ام؟
- کآتش آن فرو کشد، گریهام از جدابیت
 سلطان نگه کند به تکبر سپاه را
 این یوسفی است بر زنج آورده چاه را
 تا کی چو کرم پیله همی گرد خود تنم؟

۲۳- با توجه به بیت «این نان و آب چرخ، چو سیل است بی‌وفا، من ماهی‌ام، نهنگم، عثمانم آرزوست» کدام گزینه «مشبّه‌به» نیست؟

- ۱) سیل
 ۲) عثمان
 ۳) ماهی
 ۴) نهنگ

۲۴- «مشبّه‌به» در بیت: «نه این ریسمان می‌برد با منش / که احسان کمندی است در گردنش» کدام کلمه است؟

- ۱) احسان
 ۲) ریسمان
 ۳) گردن
 ۴) کمند

(تجربی ۸۰)

۲) من جلوهٔ شباب ندیدم به عمر خویش
۴) در خون من غرور نیاکان نهفته است

برآمد از پسِ کوه آفتاب آهسته آهسته
که خواهد خورد خونم چون کباب آهسته آهسته
که از دل می برد یاد شباب آهسته آهسته
برافکن از عذار (= چهره) خود نقاب آهسته آهسته

بیا و بر دل من بین که کوه الوندست
کافتابی تو و کوتاه نظر مرغ شب است
دل و دین می برد از دست بدان سان که مهرس
چون صبر توان کرد که مقدر نمانده است

۲۸- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ دو «تشبیه» به کار رفته است.

در این سیلاب غم دسته‌گلی شاداب را ماند
چو فرقدین و نگه می‌کنم ثریا را
دیده دریا کنم از اشک و در او غوطه خورم
دل خالی ز محبت، صدف بی‌گهر است

۲۹- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ دو «تشبیه» به کار رفته است.

به چه ماند؟ به گلزار خزان
چو بلبل در قفس روز بهاران
آن را که فلک زهر جدایی نچشاند
به ندیم شاه ماند که به کف ایاغ (= پیاله) دارد

(رأی ۷۳)

در زمستان پیکر عریان دهقان است و بس
چون دم عیسی در کالبدم جان آرد
چونان فرشته بر سر او سایه‌گستر است
یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیان

(مأرج ۹۸)

ذره‌ای چون من نرقصیده است در میدان عشق
مگر کسی که به زندان عشق در بند است
بس که ز نو دوختم چاک گریبان دل
چون کار جهان بی سر و سامان خوش‌تر

۳۲- در کدام‌یک از گزینه‌های زیر، ترکیب مشخص‌شده «اضافهٔ تشبیهی» نیست؟

وگرنه روز فراق تو مردن آسان بود
نسیم نامیدی از سر دیوارم اندازد
چراغ دیده به راه تو تا سحر می‌سوخت
هرچند که می‌پویم، صحرای محبت را

۲۵- آرایهٔ «تشبیه» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

۱) اشکم ولی به پای عزیزان چکیده‌ام
۳) به دیدارت آرایش جان کنم

۲۶- کدام گزینه تشبیه ندارد؟

۱) به ساغر نقل کرد از خم شراب آهسته آهسته
۲) فریب روی آتشانک او خوردم ندانستم
۳) بدین خرسندم از نسیان (= فراموشی) روزافزون پیری‌ها
۴) کباب نازک دل آتش هموار می‌خواهد

۲۷- در کدام گزینه آرایهٔ «تشبیه» دیده نمی‌شود؟

۱) فراق یار که پیش تو کاه‌برگی نیست
۲) هر کسی را به تو این میل نباشد که مرا
۳) زاهد از ما به سلامت بگذر کاین می لعل
۴) صبر است مرا چارهٔ هجران تو لیکن

۱) گذشت روزگاران بین که دوران شباب ما
۲) دو چشم باز نهاده نشستام همه شب
۳) حافظا شاید اگر در طلب گوهر وصل
۴) عاشقی مایهٔ شادی بود و گنج مراد

۲۹- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ دو «تشبیه» به کار رفته است.

۱) تو را در دل درخت مهربانی
۲) دلسم در بند تنهایی بفرسود
۳) شیرین ننماید به دهانش شکر وصل
۴) به چمن خرام و بنگر بر تخت گل که لاله

۳۰- در ابیات همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ همهٔ ارکان تشبیه آمده است.

۱) آن که لرزد همچو مرغ نیم‌بسل، صبح و شام
۲) هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد
۳) خوشبخت آن که مادر دانا به روز و شب
۴) وظیفهٔ زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟

۳۱- در کدام بیت، بیشترین تشبیه وجود دارد؟

۱) چون تو خورشیدی نتابیده است در ایوان حسن
۲) شب فراق که داند که تا سحر چند است
۳) سوزن فکرت شکست، رشتهٔ طاقت گسیخت
۴) آشفته سخن چو زلف جانان خوش‌تر

۱) امید وصل تو گذاشت تا دهم جان را
۲) شوم گر مرغ و بنشینم به دیوار سرای او
۳) ز گرمی جگرم دوش چشم تر می‌سوخت
۴) جز خسته نمی‌یابم، جز کشته نمی‌بینم



۳۳- کدام یک از ترکیب‌های مشخص‌شده، «اضافه تشبیهی» نیست؟

- ۱) دل‌آزرده از یار و از یاری‌آم
- ۲) دامین خوش‌دلی رفته از دست
- ۳) از جوانی نمانده به‌جز یاد
- ۴) غرقه در خاطرات جوانی

۳۴- در کدام گزینه «اضافه تشبیهی» به کار نرفته‌است؟

- ۱) شبِ فراق تو را روز وصل پیدا نیست
- ۲) گو شمع میارید در این جمع که امشب
- ۳) از پای فتادیم چو آمد غم هجران
- ۴) نزع کفر و دین برخاست تا بوقع برافکندی

۳۵- در کدام یک از بیت‌های زیر نوع «اضافه تشبیهی» با بیت‌های دیگر متفاوت است؟

- ۱) عمری از سنگ حوادث، سوده گشتم چون غبار
- ۲) بگشا غنچه لب را بنما بر همه کس
- ۳) زلف هندوی تو باید که پریشان نشود
- ۴) از هر کرانه تیر دعا کرده‌ام روان

۳۶- در کدام بیت «ادات تشبیه» نیامده‌است؟

- ۱) پروانه‌صفت چشم به او دوخته بودم
- ۲) چون پرده براندازد، عالم به سر اندازد
- ۳) همواره عشق بی‌خبر از راه می‌رسد
- ۴) به دلارام بگو ای نفس باد سحر

۳۷- در کدام یک از بیت‌های زیر «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) ز خاک کوی تو هر خاک سوسنی است مرا
- ۲) برای آن‌که ز غیر تو چشم بردوزم
- ۳) ز بس که بر سر کوی تو اشک ریخته‌ام
- ۴) از آن زمان که ز تو لاف دوستی زده‌ام

۳۸- در کدام یک از بیت‌های زیر «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) آن ترک پری‌چهره که دوش از بر ما رفت
- ۲) آن نه زلف‌است و بناگوش، که روز است و شب است
- ۳) ای سرخ گشته از تو به خون، روی زرد ما
- ۴) ز چمن باد سحر بین که ز پای گل و سرو

۳۹- در کدام گزینه همه ترکیب‌ها «اضافه تشبیهی» است؟

- ۱) گوشه کلاه، روی ماه، روی تعظیم، قبه عرش
- ۲) آبروی بندگان، جمال عشق، اوج بلاغت، تقصیر خویش
- ۳) دروگر زمان، عصاره تاک، شهد فایق، موسم ربیع
- ۴) بنات نبات، بحر مکاشفت، مهد زمین، تیر مزگان

(راستی ۸۹)

این نه هاله است که بر گرد قمر گردیده‌است
ساده‌لوحی که به خورشید تو را سنجیده‌است
گل بی‌درد به روی که دگر خندیده‌است
هر که را فکر سر زلف به هم پیچیده‌است

(انسانی ۹۸)

۴۰- کدام بیت، «فاقد» تشبیه است؟

- ۱) ماه از شرم عذار تو حصاری شده‌است
- ۲) غافل از خال و خط و زلف و دهان تو شده‌است
- ۳) شور مرغان چمن حوصله‌ساز است امروز
- ۴) تا قیامت گرهش باز نگردد چون خال



۴۱- در کدام یک از بیت‌های زیر، هر یک از «طرفین تشبیه» بیش از یک کلمه نیست؟

مرا ماهها، تو هم اینی و هم آن
تو گفתי بود یکسر دشت لاله
چو بر سوسن چکیده قطره باران
چو آتش را به دشت اندر، شبانان

۱) بهشت و حور خواهد دل ز یزدان
۲) بس بر دست‌ها پُر مر پیاله
۳) به گردن برش مروارید چندان
۴) مرا بگذاشت آن بت‌روی جانان

۴۲- در چند بیت از غزل زیر «تشبیه» وجود دارد؟

گفتی اگر ببند کسی، گفتم که حاشا می‌کنم
گفتم که با افسون‌گری، او را ز سر و امی‌کنم
گفتم که من خود را در او، عریان تماشا می‌کنم
گفتم که ارزان‌تر از این من با تو سودا می‌کنم
گفتم که صد سال دگر، امروز و فردا می‌کنم
گفتم ز تو دیوانه‌تر، دانی که پیدا می‌کنم»

«گفتی که می‌بوسم تو را، گفتم تنها می‌کنم
گفتی ز بخت بد اگر، ناگه رقیب آید ز در
گفتی چه می‌بینی بگو، در چشم چون آینه‌نام
گفتی که پیوند تو را با نقد هستی می‌خرم
گفتی اگر از کوی خود، روزی تو را گویم برو
گفتی اگر از پای خود، زنجیر عشقت واکنم

۲) دو

۱) یک

۴) چهار

۳) سه

(رأی ۹۳)

هر روز که بی ساقی گل‌چهره نشستیم
تا بر دل کسی ننشیند غبار من
ماهی است عارض تو از نور آفریده
طایر اندیشه‌ام افتاد در دام هوس

۴۳- آرایه تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟

۱) صد خار بلا از دل دیوانه ما خاست
۲) ای سیل اشک خاک وجودم به باد ده
۳) سروی است قامت تو از ناز سر کشیده
۴) مرغ دل تا دام زلف و دانه خال تو دید

۴۴- در کدام گزینه «تشبیه» می‌یابید؟

سخن‌شناس نئی جان من، خطا این‌جاست
که به بالای چمن از بُن و بیخم برکند
ور بگویم دل بگردان رو بگرداند ز من
که جام جم نکند سود وقت بی‌بصری

۱) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
۲) بعد از این دست من و دامن آن سرو بلند
۳) چون شوم خاک رهش دامن بیفشانند ز من
۴) چو مستعد نظر نیستی وصال مجوی

۴۵- کدام گزینه تشبیه ندارد؟

عاشق بی‌شکوه را، آتش بی‌دود را
که تا بلبل به باغ آید نگه‌دار آشیانش را
باده تندی که بگدازد غم بالیده را
با گهر همسر کنم گر نکته سنجیده را

۱) نیست به گیتی دو چیز جستم و کم یافتم
۲) چو گل رفت از چمن با باغبان گفت از وفاداری
۳) کوه محنت سخت می‌کاهد مرا، ساقی بده
۴) در ترازوی صدف گوهر ننگند از نشاط

(رأی ۹۹)

۴۶- در کدام بیت، تعداد تشبیه با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

کیست که مرغ دلش از دام برآمد
بلبل باغ سخن منطق گویای من است
تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد
کز شب زلف تو چون شمع شبستان تافته است

۱) خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام
۲) گل بستان خرد لفظ دلارای من است
۳) تیر بالای او را جز دل هدف نشاید
۴) آن بناگوش دل‌افروز است یا مه یا چراغ

۴۷- تعداد «تشبیه» در کدام گزینه بیشتر است؟

و آنچه بجهد از زبان چون آتش است
عذر آورد که بهتر زین دختری ندارم
چندان که زدییم باز ننشست
که دل به دست کمان‌برویی است کافرکیش

۱) این زبان چون سنگ و فم (=دهان) آهن‌وش است
۲) افراسیاب طبعم ای بیژن شجاعت
۳) بر آتش عشقت آب تدبیر
۴) چو بید بر سر ایمان خویش می‌لرزم



۴۸- آرایهٔ «تشبیه» در کدام بیت، بیشتر یافت می‌شود؟

(عمومی نارج ۹۹)

یعنی فزود مهر دلیم از نگاه تو
تا تختهٔ تن پاک بگشت از همه رنگم
کی دهد باغ محبت ثمری بهتر از این
وای بر حالت مرغی که در این دام نبود

- ۱) سرسبز گشت باغ رخت از بهار خط
- ۲) روی تو در آینهٔ جان عکس بینداخت
- ۳) میوهٔ عیش بسی چیدم از آن نخل مراد
- ۴) حلقهٔ دام نجات است خم طرّهٔ دوست

۴۹- در کدام گزینه تعداد تشبیه متفاوت است؟

چراغ بلاغت بیفروختم
فرو می‌دویدش به عارض چو شمع
چشم همه بر لعل لب و گردش جام است
خالصیام چون آسمان شبزده بی‌اخترانش

- ۱) شبنم زیت (= روغن) فکرت همی سوختم
- ۲) شنیدم که می‌گفت و باران دمع (= اشک)
- ۳) گوشم همه بر قول نی و نغمهٔ چنگ است
- ۴) خالی‌ام چون باغ بود، خالی از نیلوفرانش

(رأینی ۹۹)

طوطی طبعم ز عشق شگر و بادام دوست
وگر نه تشنگی‌افزاست آب شور تمنا
چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه‌سا را
که باشد عقد گوهر خوشه‌ای از خرمن دریا

۵۰- تعداد تشبیهات کدام بیت بیشتر است؟

- ۱) واله و شیداست دائم همچو بلبل در قفس
- ۲) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت
- ۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایهٔ نظرهاست
- ۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا

مقایسهٔ تخیل شعرا و اجته

تشبیهات حرفی

شاعران قدیم، گاهی مشبّه‌به‌هایی پیدا می‌کردند که عقل جن هم به آن‌ها نمی‌رسید. این تشبیه‌ها گاهی آن قدر عجیب‌اند که وجه‌شبه بعضی از آن‌ها هنوز هم در هاله‌ای از ابهام است! یکی از این مشبّه‌به‌ها شکل ظاهری برخی حروف الفباست. مثلاً شاعر زلف معشوقش را به «جیم» تشبیه می‌کرده (احتمالاً به دلیل پیچش و خمیدگی موی معشوق)؛ یا قد و قامت راست و بلند را به «الف» تشبیه می‌کرده و قد و قامت خمیده را به «نون» یا «دال»؛ و چشم را به «صاد» و دهان را به «میم» و غیره ...

مثال ۱: زلف تو را جیم که او
پیش الفِ قُدت چو نون باد
مثال ۲: قد همه دلبران عالم
پشت مرا چو دال، دو تا می‌کنی، مکن
مثال ۳: بخت مرا چو کلک (=قلم)، نگون می‌کنی، مکن

استعاره و تشخیص

اگر حس کنید دوستان که قدی بلند دارد به نردبانی شبیه است و بگویید: «اردشیر مانند نردبان است» از تشبیه استفاده کرده‌اید. حال اگر بخواهید کمی زیاده‌روی کنید و به جای «اردشیر» از کلمهٔ «نردبان» استفاده کنید، از استعاره استفاده کرده‌اید؛ مثلاً وقتی که اردشیر وارد کلاس می‌شود بگویید: «نردبان آمد». به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- اردشیر که در درازی مانند نردبان است، آمد. (تشبیه با ذکر تمام ارکان)
اردشیر که مانند نردبان است، آمد. (تشبیه با حذف وجه‌شبه)



۱. شاعر دعا می‌کند که در برابر قامتِ مثلِ الفِ معشوقش، همهٔ دلبران دیگر قوز دریاورند و مثل حرف نون خمیده شوند.

آزمون ۳۱

۷۶۸- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به‌درستی بیان شده‌است؟

- «لب می‌مکم از مائدهٔ درد، خدا را
 ۱) حس‌آمیزی، جناس، تضاد، تناسب
 ۲) تناقض، استعاره، تشبیه، تناسب
 ۳) حس‌آمیزی، تشبیه، تناقض، جناس
 ۴) تضاد، کنایه، استعاره، حسن تعلیل

(شُر ۹۹)

۷۶۹- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «ز بند حرص بر آهو چه تازی نفس را چون سگ
 ۱) تشبیه، ایهام تناسب، استعاره، تضاد
 ۲) تشبیه، مجاز، کنایه، پارادوکس
 ۳) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، تضاد
 ۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراعات نظیر

(شُر ۹۸)

۷۷۰- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات تماماً درست است به‌جز

- ۱) این عالم پرشور که آرام ندارد از دامن صحرای تو یک موج سراب است (تشبیه، مجاز)
 ۲) از نرگس بیمار بود تازگی حُسن معموری آفاق ز دل‌های خراب است (تناقض، استعاره)
 ۳) در دل فکند شور جزا گریهٔ تلخش از آتش رخسار تو هر دل که کباب است (حس‌آمیزی، ایهام تناسب)
 ۴) منجنون چه کند مست‌نگردد که در این دشت هر موج سرابی که بود موج شراب است (تلمیح، جناس)

۷۷۱- در بیت «به پای قامتی در پای سروی ناله سر کردم/ چو مژگان برگ برگش را به آب دیده تر کردم»

کدام آرایه‌های زیر موجودند؟

- ۱) جناس، تشبیه، اغراق ۲) تشبیه، اغراق، حس‌آمیزی ۳) تشخیص، جناس، ایهام ۴) استعاره، ایهام، مجاز

۷۷۲- ترتیب توالی ابیات زیر، براساس آرایه‌های «استعاره، مجاز، تشبیه، تضاد، تشخیص» کدام است؟ (سؤال ۹۵+)

- الف) چون صبا شانه زند طرّهٔ عنبربارش
 ب) جایی که برق عصیان بر آدم صفی زد
 ج) به امیدي که سحر بر رُخت افتد نظم
 د) ز آشفتگی حال من آگاه کی شود
 ه) بسی بگفت خداوند عقل و نشنیدم

- ۱) الف، د، ه، ب، ج ۲) ب، د، ج، ه، الف ۳) د، ج، ب، ه، الف ۴) د، الف، ب، ج، ه



۷۷۳- برخی آرایه‌های ذکرشده در کمانک مقابل کدام گزینه با بیت آن مطابقت ندارد؟

- ۱) من آن مرغ سخن‌دانم که در خاکم رود صورت
 ۲) از گران جانان سبک‌روحان گرانی می‌کشند
 ۳) ماه کنعانم برفت از کلبهٔ احزان ولی
 ۴) سهل باشد سخن سخت که خوبان گویند
- هنوز آواز می‌آید به معنی از گلستانم (ایهام، تشبیه، مجاز)
 چون سبواز می‌تهی گردد گران‌تر می‌شود (اسلوب معادله، تناقض، کنایه)
 عکس رویش بر در و دیوار می‌یابم هنوز (استعاره، تلمیح، جناس)
 جور شیرین‌دهنان تلخ نباشد بردن (حسن آمیزی، تضاد، تشبیه)

۷۷۴- کدام گزینه آرایه‌های بیت زیر را به‌درستی بیان کرده‌است؟

- «دور از تو مرا عشق تو کرده‌است به حالی
 ۱) ایهام تناسب، جناس، تشبیه، کنایه
 ۲) ایهام، تشبیه، جناس، اغراق
 ۳) ایهام تناسب، اغراق، کنایه، جناس
 ۴) جناس، تشبیه، استعاره، حسن تعلیل»

(تجزی ۸۶)

۷۷۵- در بیت زیر، کدام آرایه وجود ندارد؟

- «رسید باد صبا غنچه در هواداری
 ۱) تشخیص
 ۲) تلمیح
 ۳) کنایه
 ۴) استعاره
 ز خود برون شد و بر تن درید پیراهن»

۷۷۶- آرایه‌های «تلمیح، تشبیه، تناقض، استعاره، جناس» به‌ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- الف) مرگ حیات است و حیات است مرگ
 ب) بر سر دریاست چو کشتی روان
 ج) چونک ز زندان و چه آیی برون
 د) تا دلم زان رخ گلگون غم چون کوه کشید
 ه) باقی‌این‌را تو بگو، زانک خلق
- ۱) ج، ب، الف، ه، د
 ۲) د، الف، ج، ه، ب
 ۳) ج، د، الف، ب، ه
 ۴) د، الف، ج، ب، ه
- عکس‌نماید نظر کافری
 روح، که بود از تن خود لنگری
 یوسف مصری و شه و سروری
 رنگ رخساره و تن، زرد و نزار است چو کاه
 از تو کنند ای شه‌من، باوری

۷۷۷- آرایه‌های «مجاز، اسلوب معادله، حسن تعلیل، تشبیه، حسن آمیزی» به ترتیب، در کدام ابیات آمده‌است؟

(سنانی ۹۶+)

- الف) روی اگر پنهان کند سنگین‌دل سیمین بدن
 ب) بپرسیدم من از یارم چرا زلفت سیه گشته؟
 ج) ز حرف سرد ناصح، گرمی عاشق نگردد کم
 د) حلاوت سخن تلخ را ز عاشق پرس
 ه) خلق دریا را نسازد گوهر شهوار تنگ
- ۱) ج، ب، الف، د، ه
 ۲) د، ب، الف، ج، ه
 ۳) د، ب، الف، ج، ه
 ۴) ج، ه، ب، الف، د
- مُشک، غمّاز است نتواند نهفتن بوی را
 بگفتا زان که بر خورشید رویم سایه‌بان باشد
 نیندازد ز جوش خویشتن سیلاب دریا را
 ز ماهیان بطلب طعم آب دریا را
 نیست پروایی ز سنگ کودکان دیوانه را

۷۷۸- ترتیب قرارگرفتن آرایه‌های «استعاره، تلمیح، ایهام، تشبیه، تناقض» کدام است؟

(سُرّ)

- الف) اگرچه مستی عشقم خراب کرد ولی
 ب) به کام تا نرساند مرا لیش چون نای
 ج) که ای بلندنظر شاهباز سدره‌نشین
 د) نشان عهد و وفا نیست در تبسم گل
 ه) دل من در هوس روی تو ای مونس جان
- ۱) د، الف، ج، ه، ب
 ۲) د، ج، ب، ه، الف
 ۳) ه، ج، ب، د، الف
 ۴) ه، ج، د، الف، ب
- اساس هستی من زان خراب آباد است
 نصیحت همه عالم به گوش من باد است
 نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است
 بنال بلبل بیدل که جای فریاد است
 خاک راهی است که در دست نسیم افتاده‌است

۷۷۹- آرایه‌های «حسن تعلیل، ایهام تناسب، استعاره، تشبیه، اسلوب معادله» به ترتیب، در کدام ابیات آمده‌است؟

(سُز ۹۵)

- الف) احرام چه بندیم چو آن قبله نه این جاست
 ب) خبر چشم تر من که رسانید به ابر؟
 ج) تن خاکی هدف ناوک دل دوز قضاست
 د) مشت آبی می‌کند خواب گران را تارومار
 ه) دامن فرصت، دل بی تاب نتواند گرفت
- ۱) ب، الف، ه، ج، د ۲) ب، ه، ج، د، الف
 ۳) الف، ب، ج، ه، د ۴) الف، ج، ب، د، ه

۷۸۰- آرایه‌های «حسن آمیزی، حسن تعلیل، تضاد، تشبیه، اسلوب معادله» به ترتیب در کدام گزینه آمده‌است؟

- الف) عیش شیرین را بود در چاشنی صد چشم شور
 ب) تمام روز از آن همچو شمع خاموشیم
 ج) در این محیط، چو قصر حباب اگر صد بار
 د) ز مرگ تلخ به ما بدگمان مشو زنه‌ار
 ه) فراموشی ز فراموشی تو می‌خیزد
- ۱) الف، ج، د، ب، ه ۲) الف، ب، د، ج، ه
 ۳) د، ب، ه، ج، الف ۴) د، ج، ه، الف، ب

۷۸۱- در کدام بیت همه آرایه‌های «تشخیص، ایهام، استعاره و کنایه» وجود دارد؟

(ریاضی ۸۷)

- ۱) زنده کنند و باز پر و بال نو دهند
 ۲) گل را مدد رسید ز گلزار روی دوست
 ۳) امروز روز شادی و امسال، سال گل
 ۴) جامه‌دران رسید گل از بهر داد ما

۷۸۲- در کدام بیت، هر دو آرایه «تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

(زبان ۹۵)

- ۱) صد باد صبا این‌جا با سلسله می‌رقصدند
 ۲) اگرچه مهر بریدی و عهد بشکستی
 ۳) پیش رویت دگران صورت بر دیوارند
 ۴) ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا

پاسخ‌نامه تشریحی سؤالات فصل اتاء

فصل اول: بیان

۱- گزینه «۲»

بررسی سایر گزینه‌ها

در ۱ «هوا» به «نگاه وحشتناک غارها» تشبیه شده؛ در ۳ «پردۀ سیاه شب» اضافه تشبیهی است؛ یعنی «شب» به «پردۀ سیاه» تشبیه شده و در ۴ هم «او» به «اخرت‌ی روشن و پرفروغ» تشبیه شده‌است.

۲- گزینه «۳»

در این گزینه دو تشبیه وجود دارد؛ در مصراع اول شاعر خودش را به شاخه‌ای تشنه در بهار تشبیه کرده‌است و در مصراع دوم مخاطب یا معشوق را به هوای ابری و بارانی. در گزینه‌های دیگر تشبیه وجود ندارد.

۳- گزینه «۳»

بررسی سایر گزینه‌ها

در ۱ دو تشبیه وجود دارد؛ «تن» به «نقرۀ خام» تشبیه شده و «بدن» به «مغز بادام». در ۲ «شیشۀ شراب» به «دل عاشقان» تشبیه شده (وجه‌شبه: صاف و بی‌غش بودن). در ۴ «لب دریا» به «لب دلبر» تشبیه شده‌است (وجه‌شبه: کل مصرع دوم).

۴- گزینه «۴»

بررسی سایر گزینه‌ها

در ۱ «دل» به «عود» تشبیه شده و «دم» (نفس)، آه یا سخن) به «دود». در ۲ شهر «مرو» به «طوفان نوح» تشبیه شده و «جنازۀ» مخاطب به «کشتی نوح» (این بیت تصویر یک تشییع جنازه در شهر مرو است. شاعر می‌گوید آن‌قدر مردم اشک ریخته‌اند که شهر مرو مانند طوفان نوح شده و جنازۀ تو که روی دست‌های مردم شناور است مثل کشتی نوح). در بیت ۳ «شب» به «روز فراق بتان» (روز دوری از زیبارویان) تشبیه شده (از جهت طولانی بودن و تیره و تار بودن) و در مصراع دوم نیز به «امید» (از جهت بلندی) و «نیاز» (از جهت سیاهی). در دوران قدیم

گاهی شعرا یک چیز عینی و ملموس را به چیزی ذهنی و غیرملموس تشبیه می‌کردند، مثل این‌جا که شب به امید و نیاز تشبیه شده‌است.

۵- گزینه «۴»

در بیت «الف» در مصراع نخست، «روی باغ» به «روی عاشقان» تشبیه شده‌است و در مصراع دوم، «باده» به «روی دوستان». در بیت «د» هم در مصراع اول، «هوا» به «بیشۀ الماس» مانند شده‌است و در مصراع دوم، «زمین» به «پیکر مفلوج»؛ اما در بیت «ب»، تنها تشبیه «من» به «زورق‌های صاحب‌گشته سرگشته» وجود دارد و در بیت «ج» در مصراع اول، «لب» به «شکر» تشبیه شده‌است و مصراع دوم، خالی از تشبیه است.

۶- گزینه «۳»

در این گزینه مخاطب (معشوق) به «بوی گل» تشبیه شده‌است و وجه‌شبه آن «خیال‌انگیز و جان‌پرور» بودن ذکر شده، و «چو» ادات است. توجه کنید که در ۴ کلمۀ «چون» به معنای «هنگامی که» به کار رفته‌است و تشبیهی در کار نیست.

۷- گزینه «۱»

مشبّه: ایام گل، مشبّه‌به: عمر، ادات تشبیه: چو، وجه‌شبه: شتاب کردن. بررسی سایر گزینه‌ها در ۲ چهار تشبیه وجود دارد که در همگی تنها مشبّه و مشبّه‌به ذکر شده‌است. در ۳ سه تشبیه وجود دارد. تشبیه اول: مشبّه: دشت و راغ، مشبّه‌به: دریای خون، ادات تشبیه: چو. تشبیه دوم: مشبّه: جهان، مشبّه‌به: شب، ادات تشبیه: چون. تشبیه سوم: مشبّه: تیغ‌ها، مشبّه‌به: چراغ، ادات تشبیه: چون. در ۴ شاعر می‌گوید من «که» (کاه) نیستم (این تشبیه ندارد، چون می‌گوید: «نیستم»، کوه هستم از جهت صبر و بخشش و عدالت، کوه را



تندباد نمی‌تواند برآید. پس یک تشبیه داریم که در آن، مشبه «م» (نهاد پیوسته) و مشبه‌به «کوه» است و وجه‌شبهه نیز «صبر و حلم و داد» یا مصراع دوم (در برابر تندباد مقاومت‌بودن) است؛ اما ادات تشبیه ندارد.

۸- **گزینه ۴** این بیت، یک تشبیهی بیشتر ندارد: «هلاک ما» را مانند «قتل مورچه در زیر پای سواران» مهممل و بیهوده گرفتند! **بررسی سایر گزینه‌ها** در ۱ «درخت مهربانی» اضافه تشبیهی است و خود «درخت مهربانی» به گلزار خزانگی تشبیه شده‌است. در ۲ «بند تنهایی» اضافه تشبیهی است و «دل در بند تنهایی» به بلبل در قفس به هنگام بهار تشبیه شده‌است (تشبیه مرکب). در ۳ «قرار نگرفتن مال در کف آزادگان» یک بار به «قرار نگرفتن صبر در دل عاشق» و یک بار به «قرار نگرفتن آب در غریال» تشبیه شده‌است.

۹- **گزینه ۲** در ۲ هر مصراع حاوی یک تشبیه است، اما بدون ذکر وجه‌شبهه. «الف» رنگ زمین چون رخ من شده است. ← رنگ زمین: مشبه / چون: ادات تشبیه / رخ من: مشبه‌به / وجه‌شبهه: -

«ب» طبع زمان چون دم من شده است. ← طبع زمان: مشبه / چون: ادات تشبیه / دم من: مشبه‌به / وجه‌شبهه: - **بررسی سایر گزینه‌ها** وجه‌شبهه ۱ به پیچ و تاب افتادن

وجه‌شبهه ۲ هزاران ناله داشتن
وجه‌شبهه ۴ مصراع اول ← مشهور خوبان بودن / مصراع دوم ← شب‌نشین بودن

۱۰- **گزینه ۳** در ۱، «تو» (یعنی معشوق) به درخت گل و «قامت معشوق» با تشبیه تفضیل به «سرو بلندبالا» تشبیه شده؛ در ۲ که توصیف صحنه جنگ است، «رود» از بسیاری خون‌های ریخته در آن سرخ‌رنگ و به «میستان» تشبیه شده و «هوا» از

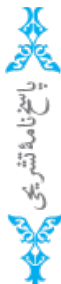
بسیاری نیزه‌ها به «نیستان» تشبیه شده‌است. در ۴ هم «دامان مراد ناکسان» به «آسمان» تشبیه شده (شاعر می‌گوید دامن مراد و آرزوی انسان‌های ناکس مثل آسمان بزرگ است، یعنی انسان‌های ناکس به مراد و خواسته‌شان می‌رسند. پیونددار یعنی وصله‌خورده، در مصراع دوم می‌گوید اگر من دامان مرادی وصله‌خورده هم ندارم، بگذار نداشته باشم). اما در ۲ «چو» به معنی «هنگامی که» است و ادات تشبیه نیست.

۱۱- **گزینه ۳** در ۱، «زلف ززین» معشوق به «شعله» تشبیه شده؛ در ۲، «مخاطب» (معشوق) از فرط پاکی به «قطره» ای آب که بر برگ گل چکیده باشد تشبیه شده. در ۴ هم «خود شاعر» به «بنده» (غلام) تشبیه شده («وار» ادات تشبیه است). اما در ۳، «چون» ادات تشبیه نیست، بلکه به معنی «چگونه» است. (کسی چگونه ممکن است، بدون دیدن از بیایی | یوسف (ع)، حال زلیخا را درک کند!؟)

۱۲- **گزینه ۲** بیت‌ها را بررسی کنیم: در بیت «الف» مردم چشم (مردمک چشم من) ... طفل را ماند. پس تشبیه داریم («مردمک چشم» به «طفل»). در بیت «ب» جمله «چشم شو» هم تشبیه دارد. ادات تشبیه را به آن اضافه کنید تا بشود: «مانند چشم شو». در «ج» تشبیه نداریم. اشک آمیخته به خون، تشبیه ندارد. در بیت «د» نیز تشبیه نداریم. در بیت «ه» «می» به «خون جگر» تشبیه شده و «گویا» نقش ادات تشبیه را بازی می‌کند. هم‌چنین «غم» به «ساقی» تشبیه شده و البته همه ارکان این تشبیه حذف گردیده و به صورت اضافه تشبیهی در آمده‌است.



۱. این بیت یک ظرافت ادبی جالب دارد؛ مصراع دوم را می‌شود جور دیگری هم خواند: «طفل را ماند که در مه، تاب‌بازی می‌کند!» یعنی مردمک چشم که مدام به دور صورت می‌گردد، مانند بچه‌ای است که تاب‌بازی می‌کند؛ تاب، تاب، عیاسی... لذت برزیر!؟



۱۷- گزینه «۲» در این جا «فقیه» از جهت «تحمل کردن» با استفاده از کلمه «چو» به «خاک» تشبیه شده است (فقیه: مشبه؛ تحمل کردن: وجه شبه؛ چو: ادات تشبیه؛ خاک: مشبته به).

۱۸- گزینه «۱» در این گزینه هیچ تشبیهی وجود ندارد، اما در ۲ «عَوَاصِ خَرْد» در ۳ «گهوارهٔ زمین» و در ۴ «اقیانوس وجود» اضافهٔ تشبیهی هستند.

۱۹- گزینه «۳» بررسی سایر گزینه‌ها در ۱ «کمان ابرو» و در ۲ «صبح اُمید» اضافهٔ تشبیهی هستند. در ۴ گوینده خود را به طفل تشبیه کرده است (مشبه: «م» بعد از شیر؛ مشبه به: «طفلان»؛ ادات تشبیه: «چو»؛ وجه شبه: «فریب خوردن»). معنی بیت چنین است: ای زاهد، تا کی مرا مانند طفلان به سیب باغ و شهد و شیر فریب می دهی؟

۲۰- گزینه «۲» در این گزینه «بند اجل خویش» و «بند غم عشق تو» اضافهٔ تشبیهی هستند. بررسی سایر گزینه‌ها در ۱ فقط «سرو قامت» اضافهٔ تشبیهی است. در ۳ اگرچه دو تشبیه وجود دارد، اما اصلاً اضافهٔ تشبیهی نداریم. یکی با ادات «همچون» بیان شده و دیگری با ادات «چون» (در اضافهٔ تشبیهی تنها مشبه و مشبه به می آیند، با کسره‌ای در میانشان). در ۴ هم فقط یک اضافهٔ تشبیهی داریم: «معلم عشق».

۲۱- گزینه «۳» حواستان باشد که در ۳ کلمه «چو» ادات نیست (چون به معنی «هنگامی که» آمده، بلکه کلمه «گوی» ادات ماست.

۲۲- گزینه «۱» بررسی سایر گزینه‌ها در ۲ نگاه کردن معشوق به دوستانش، به نگاه کردن سلطان به سپاهش تشبیه شده! (تشبیه مرکب)؛ در ۳ ضمیر اشارهٔ «این» (که مرجع آن «معشوق» است)

۱۳- گزینه «۱» «جان مانند آیینه نقش تو را در دل گرفته است» و «دل مانند شانه در سر زلف تو فرو رفته است» (عاشق زلف تو و به آن وابسته شده است). تشبیه موجود در سایر گزینه‌ها، تشبیه مرکب است.

۱۴- گزینه «۴» در بیت «ب» «بساط سبز» به «جان خردمند» و «هوای معتدل» به «مهر فرزند» تشبیه شده است. در بیت «د» «وجود معشوق» به «گلبرگ لطیف و تازه» و «سراپای معشوق» به «سرو چمن بهشت» تشبیه شده است. در بیت «الف» تنها در مصراع اول تشبیه وجود دارد («منقل» مانند «دل» عاشق است) و در بیت «ج» نیز تنها در مصراع اول تشبیه وجود دارد («مجلس» مانند «آه عاشقان» گرم است).

۱۵- گزینه «۴» در ۱ چشم معشوق، به سواد (سیاهی) سحرگاه تشبیه شده است (وقت سحر سیاهی و سفیدی در هم می شود، مثل چشم) و «عین» در این جا به معنی «مشابه» آمده و ادات تشبیه است (این کلمه ایهام هم دارد؛ یعنی معنای دومی نیز دارد که با بیت بی تناسب نیست، «عین» در عربی یعنی چشم). در ۲ با تشبیهی مشکل و زیبا سر و کار داریم: خال صورت معشوق، که در میان یک حلقهٔ تابدار از زلف او پیداست، به نقطه‌ای سیاه در میان حلقهٔ حرف جیم تشبیه شده است! (برای دیدن نمونه‌های دیگری از تشبیه‌های شیه این، به کادر بعد از پاسخنامهٔ تشبیه مراجعه کنید). در ۳ نیز «زلف سیاه معشوق در میان صورت او» به «طاووس در میان باغ بهشت» تشبیه شده است.

۱۶- گزینه «۴» «مهر» خداوند به «کشتی نوح» برای بلانشینان تشبیه شده؛ پس مشبه، «مهر» است.



مشبه است و «یوسف» مشبه‌به. در ۴ شاعر خود را به «کرم پيله» تشبیه کرده‌است («م» مشبه است و «کرم پيله» مشبه‌به).

۲۳- گزینۀ «۲» در این جا سه تشبیه وجود دارد. تشبیه اول: نان و آب چرخ مانند سیل بی‌وفاست (مشبه‌به: سیل). تشبیه دوم: من ماهی هستم (مشبه‌به: ماهی). تشبیه سوم: من نهنگ هستم (مشبه‌به: نهنگ). در ادامه شاعر می‌گوید دریای عمان آرزوی من است؛ در این جا تشبیهی وجود ندارد.

۲۴- گزینۀ «۴» در این بیت «احسان» (نیکوکاری) به «کمند» تشبیه شده‌است.

۲۵- گزینۀ «۱» در ۱ شاعر خودش را به اشک تشبیه کرده‌است. در حقیقت «م» بعد از اشک مشبه است (به جای ضمیر «من» که نهاد جمله بوده و حذف شده) و «اشک» مشبه‌به است.

۲۶- گزینۀ «۳» بررسی سایر گزینۀ ۱ تشبیهی پنهان (مضمر) وجود دارد: نقل مکان کردن شراب از خُم، مانند برآمدن آفتاب از پشت کوه است (دقت کنید که شراب مثل خورشید، سرخ و روشن است). در ۲ دو تشبیه وجود دارد: «روی آتشناک» (چهره مانند آتش) تشبیه اول است که در مصراع دوم، خود به «کباب» تشبیه شده‌است (از این جهت که آهسته‌آهسته خون می‌خورد).

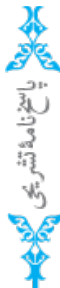
در ۴ ترکیب «کباب نازک دل» اضافه تشبیهی است؛ هم‌چنین یک تشبیه پنهان نیز وجود دارد و آن تشبیه «عذار» معشوق به «آتش» است: دل مانند کبابی نازک است که آتشی آرام و پیوسته می‌خواهد؛ پس نقاب را آرام آرام از چهره‌ات بردار!

۲۷- گزینۀ «۴» در ۱ «فراق یار» (دوری معشوق) به «کوه الوند» (بر دل عاشق) تشبیه شده، در ۲ «معشوق» به «آفتاب» و «انسان کوتاه‌نظر» به «مرغ شب» (خفاش) تشبیه شده (خفاش توان

دیدن آفتاب را ندارد). در ۳ هم «می» به «لعل» (جوهر سرخ) تشبیه شده‌است. اما در ۴ باید حواستان باشد که «چون» ادات تشبیه نیست، بلکه به معنی «چگونه» آمده‌است (معنی مصراع دوم: چگونه صبر می‌توان کرد در حالی که دیگر صبر برابم مقدور نیست؟).

۲۸- گزینۀ «۲» در این گزینه فقط تشبیه دو چشم شاعر به «فرقدین» (دو ستاره نزدیک به هم) را داریم. اما در گزینه‌های دیگر هر کدام دو تشبیه وجود دارد: در ۱، هم اضافه تشبیهی «سیلاب غم» را داریم که در آن غم به سیلاب تشبیه شده و هم تشبیه دوران شباب به دسته‌گل شاداب را (در این بیت فعل «ماند» ادات تشبیه است. اگر نتوانستید آن را تشخیص دهید بد نیست نگاهی به درس‌نامه و فهرست ادات تشبیه بیندازید). در ۳ هم «گوهر وصل» اضافه تشبیهی است و هم در جمله «دیده دریا کنم» دیده به دریا تشبیه شده‌است (چشم را که نمی‌شود به دریا تبدیل کرد! مقصود شاعر این است که دیده را مانند دریا می‌کنم). در ۴ هم دوباره یک اضافه تشبیهی داریم (گنج مراد) و یک تشبیه بلیغ اسنادی: «دل خالی از محبت»، «صدف بی‌گهر» است (یعنی همان الگوی «الف، ب است» که در درس‌نامه درباره‌اش سخن گفتیم).

۲۹- گزینۀ «۴» این بیت یک تشبیه بیشتر ندارد: «لاله در کنار تخت گل» مانند «ندیم شاه که در دست پیاله دارد». به این گونه تشبیه که در آن، دو چیز و رابطه بین آن‌ها به دو چیز دیگر و رابطه بینشان مانند می‌شود، تشبیه مرگب می‌گویند. بررسی سایر گزینۀ در ۱ «درخت مهربانی» اضافه تشبیهی است و خود «درخت مهربانی» به «گلزار خزان» تشبیه شده‌است. در ۲ «بند تنهایی» اضافه تشبیهی است و «دل در بند تنهایی» به «بلبل



است» یا «خاطرات مانند جوانی است». ترکیب‌های مشخص شده در گزینه‌های دیگر اضافه تشبیهی هستند. **بررسی سایر گزینه‌ها در ۱** «بیزاری» به «گرداب» تشبیه شده؛ در **۲** «شادی» به «طایر» (پرنده)، و در **۳** «آرزوها» به «رشته» (= نخ و طناب) تشبیه شده‌است.

۳۴- گزینه ۳ در این گزینه غم هجران اضافه تشبیهی نیست، چون تشبیهی در کار نیست! هجران (دوری) مانند غم نیست! **بررسی سایر گزینه‌ها در ۱** دو اضافه تشبیهی وجود دارد: «شب فراق» و «روز وصل» (ممکن است بگوید از کجا معلوم که فراق به شب تشبیه شده و وصل به روز؟ شاید مقصود شبی است که شاعر از معشوقش دور است و روزی که به وصل او می‌رسد. اما باید حواستان باشد که شاعر می‌گوید شب فراق تو روز وصل ندارد؛ یعنی این شب، شب واقعی نیست و آن روز نیز فقط روز نیست). در **۲** «ماه رخ دوست» اضافه تشبیهی است، و در **۳** هم «محراب ابرو». معنی بیت **۴**: از وقتی حجاب چهره‌ات را برداشتی دشمنی کفر و دین از بین رفت. چون شیخ و برهمن (ولی در این جا به معنی کافر) هر دو مشغول سجدۀ محراب ابروهای تو شدند.

۳۵- گزینه ۳ در همه گزینه‌های دیگر در اضافه تشبیهی ابتدا مشبّه‌به و بعد مشبّه آمده (سنگ حوادث، غنچه لب، تیر دعا)، اما در این بیت در اضافه تشبیهی مشبّه قبل از مشبّه‌به آمده‌است (زلف هندو). **۳۶- گزینه ۲** در این گزینه «چون» به معنی «هنگامی که» به کار رفته و ادات تشبیهی نیست. علاوه بر آن اصلاً در این بیت تشبیهی وجود ندارد! **بررسی سایر گزینه‌ها در ۱** «صفت» ادات تشبیهی است (نگاه کنید به کادر مربوط به



۱. برهمن: روحانی آیین برهمنی.

در قفس به هنگام بهار» تشبیه شده‌است (تشبیه مرکب). در **۳** «شکر وصل» و «زهر جدایی» هر دو، اضافه تشبیهی هستند.

۳۰- گزینه ۴ در این گزینه «زن» به «کشتی» و «مرد» به «کشتیان» تشبیه شده‌اند (بیت مردسالارانه!) و ادات تشبیه و وجه شبهه محذوف است. **بررسی سایر گزینه‌ها در ۱** «پیکر عریان دهقان» مشبّه، «مرغ نیم‌بسمل» مشبّه‌به، «همچو» ادات و «لرزیدن» وجه شبهه است. در **۲** «نسیمی که بوی خراسان می‌آورد» مشبّه، «دم عیسی» مشبّه‌به، «چون» ادات تشبیه و «جان آوردن به کالبد شاعر» وجه شبهه، و در **۳** «مادر دانا» مشبّه، «فرشته» مشبّه‌به، «چونان» ادات تشبیه و «سایه‌گستر بودن» وجه شبهه است.

۳۱- گزینه ۱ در **۱**، چهار تشبیه وجود دارد:

- ۱) تو به خورشید
 - ۲) ایوان حُسن (حسن یعنی زیبایی به ایوان تشبیه شده است).
 - ۳) من به دژه
 - ۴) میدان عشق (عشق به میدان تشبیه شده است).
- بررسی سایر گزینه‌ها ۲** زندان عشق (عشق به زندان تشبیه شده است). ← یک مورد **۳** ۱- سوزن فکرت ۲- رشته طاق
- ۴** ۱- سخن به زلف جانان (در آشفستگی)
- ۲- سخن به کار جهان (در بی سر و سامانی)

۳۲- گزینه ۱ «روز فراق» اضافه تشبیهی نیست؛ شاعر از روزی سخن می‌گوید که در آن از معشوق دور است و تشبیهی در کار نیست. همه ترکیب‌های دیگر اضافه تشبیهی هستند.

۳۳- گزینه ۴ در **۴** ترکیب «خاطرات جوانی» اضافه تشبیهی نیست، چرا که تشبیهی در کار نیست! نمی‌توان گفت «جوانی مانند خاطرات



ادات تشبیه). در ۲ «چونان» و در ۴ «همچو»
ادات تشبیه هستند.

در ۱ سه تشبیه وجود دارد:
خاک به سوسن، مو به بند، تار مو به مسکن (خانه)
تشبیه شده‌است؛ معنی بیت چنین است: هر ذره‌ای از
خاک کوی تو برای من (از جهت زیبایی و دلگشی)
مانند سوسن است، و موهای مانند بند تو، هر تار آن
مانند منزلی است (که دل من در آن اقامت دارد).
در ۲ مژه به سوزن تشبیه شده‌است: برای آن که
به کسی غیر تو نگاه نکنم، هر مژه من مانند سوزنی
شده (و چشم‌هایم را دوخته است!)؛ در ۳ اشک به
لعل تشبیه شده: آن قدر اشک‌های مانند لعل بر سر
کوی تو ریخته‌ام که زیر هر سنگی تعداد زیادی (به
اندازه پرکردن دامن لباس) لعل ریخته‌است (مشبه
یعنی اشک در مصراع اول و مشبه‌به یعنی لعل در
مصراع دوم آمده‌است). اما ۴ هیچ تشبیهی ندارد: از
آن زمانی که از دوستی تو سخن گفته‌ام هر کجا که
جنگی باشد، فردی هم با من دشمن است (رقیبان
عشقی بسیار پیدا کرده‌ام).

۳۸- گزینۀ «۳» بررسی سارگزینها

در بیت ۱ «پری‌چهره» خود حاوی یک تشبیه
فشرده است: کسی که چهره‌ای مانند پری دارد. در
بیت ۲ زلف معشوق به شب و بناگوش او به روز
تشبیه شده (در مصراع دوم نیز بالای او (قد و قامت
او) به صنوبر و درخت خرما تشبیه شده‌است که البته
مشبه با قرینۀ لفظی حذف شده). در ۴ دریافتن
تشبیه کمی دشوارتر است، معنی بیت چنین است:
در چمنزار ببین که باد سحر به طرفداری از صورت
(عارض) و قامت معشوق از پای گل و سرو برخاسته
و آن‌ها را ترک کرده، در حقیقت شاعر می‌خواهد
بگوید چهره و قامت معشوق نه‌تنها مانند گل و سرو
است، بلکه از آن‌ها هم زیباتر است.

۳۹- گزینۀ «۴» همگی اضافه تشبیهی
هستند:

بنات / بنات / بحر / مکاشفت / مهد / زمین /
مشبه‌به / مشبه / مشبه‌به / مشبه / مشبه‌به / مشبه
تیر / مژگان
شبه‌به / مشبه

بررسی سارگزینها ۱ روی ماه و قبه عرش
اضافۀ تشبیهی‌اند ولی گوشۀ کلاه و روی تعظیم
اضافۀ تشبیهی نیستند. ۲ هیچ کدام اضافه
تشبیهی نیستند. ۳ دروگر زمان، اضافه تشبیهی
است؛ ولی سایر ترکیب‌ها اضافه تشبیهی نیستند.
نکته از انواع اضافه، فقط دو نوع تشبیهی و استعاری
آرایه ادبی به حساب می‌آیند و شناخت همین دو نوع
اضافه برای پاسخ‌گویی به سؤالات کافی است؛ بنابراین
نیازی نیست که ما به بررسی سایر انواع اضافه بپردازیم
(فقط اضافه اقترانی به جهت شباهت زیادش به اضافه
استعاری باید مورد توجه قرار گیرد). آن هم در داخل
جمله؛ زیرا، اضافه اقترانی تنها در جمله، معنا پیدا
می‌کند و خارج از آن، همان اضافه استعاری است.

۴۰- گزینۀ «۳» در ۲، تشبیهی وجود

ندارد. بررسی سارگزینها ۱ تشبیه عذار
(= چهره) معشوق به ماه در زیبایی و حتی
برتری داشتن به آن (از نوع تشبیهات مُضمر یا
پنهان و مُرَجَّح یا تفضیل است). ۲ تشبیه
معشوق به خورشید در زیبایی و حتی برتری داشتن
بر آن (از نوع تشبیهات مُضمر یا پنهان و مُرَجَّح یا
تفضیل است). ۴ تشبیه گره به خال

نکته گاهی در بیان تشبیه، مشبه بر مشبه‌به
برتری داده می‌شود. به این‌گونه تشبیهات، مُرَجَّح
یا تفضیل می‌گویند.

۴۱- گزینۀ «۱» در این‌جا در حقیقت دو

تشبیه وجود دارد که هر دو تشبیه مفرد هستند

اندیشه» و «دام هوس» همگی اضافه تشبیهی هستند و در همه ترکیب‌ها هم مضاف‌الیه مشتبه است و مضاف مشتبه‌به: ۵ تشبیه

۴۴- گزینه ۳» در این بیت، «چون» به معنی «هنگامی‌که» آمده و ادات تشبیه نیست، اما با این همه در بیت یک تشبیه وجود دارد و شاعر خود را به «خاک زه» تشبیه کرده‌است. به معنی مصراع نخست توجه کنید: هنگامی که خاک راه او می‌شوم، از کنار من بی‌اعتنا می‌گذرد (دامن افشاندن: بی‌اعتنا گذاشتن). روشن است که شاعر واقعاً خاک راه نمی‌شود، او مانند خاک راه می‌شود. در هیچ کدام از گزینه‌های دیگر تشبیه وجود ندارد. توجه کنید که «جو» در ۱ و ۴ ادات تشبیه نیست.

۴۵- گزینه ۲» در این گزینه «جو» به معنی «هنگامی‌که» است و ادات تشبیه نیست. بررسی سایر گزینه‌ها در ۱۴ تشبیهی پنهان (اصطلاحاً تشبیه مضمیر) وجود دارد: عاشق بی‌شکوه مانند آتش بی‌دود است. برای دریافتن این تشبیه باید به معنی بیت توجه کنید: «در دنیا دو چیز نیست، من بسیار به دنبال آنها گشتم و کم‌تر یافته‌ام: یکی عاشقی که گلایه نکند و دیگری آتشی که دود نداشته‌باشد». در حقیقت شاعر این دو را معادل هم دانسته است؛ زیرا عشق مانند آتش است و گلایه نیز همان‌طور که دود از آتش خبر می‌دهد، از عشق نشان دارد.^۲ در ۳ «کوه محنت» (=کوه غم) اضافه تشبیهی است. در ۴ نیز «نکتۀ سنجیده» (شعر شاعر) به «گهر» و حتی برتر از آن تشبیه شده‌است.

۴۶- گزینه ۱» در ۱ سه تشبیه وجود دارد و در سایر گزینه‌ها چهار تشبیه.



۲. در سؤالات کنکور سال‌های ۹۱ به بعد، این نوع تشبیه برای داوطلبان غیر علوم انسانی نیز آمده است.

و هیچ کدام مرکب نیستند: تو مانند بهشت هستی، تو مانند حور هستی! در ۲ پیاله شراب بر روی دست‌ها، به گل لاله تشبیه شده که بر روی ساقه‌اش قرار دارد (ممکن است بگویند شاید خود پیاله به لاله تشبیه شده باشد؛ حرف شما غلط نیست اما یادتان باشد که باید درست‌ترین گزینه را انتخاب کنید؛ بررسی گزینه‌ها در ۱ مشخصاً هیچ تشبیه مرکبی وجود ندارد؛ و در ۲ آمدن کلمه «دست‌ها» نشان می‌دهد که احتمالاً مشتبه «پیاله بر روی دست» است و مشتبه «لاله بر روی ساقه‌اش». در ۳ «مرورید بر گردن معشوق» به «قطره باران بر روی گل سوسن» تشبیه شده‌است. در ۴ هم شاعر رهاکردن خود را توسط معشوق، به رهاکردن آتش در دشت توسط چوپانان تشبیه کرده (شاعر با این تشبیه می‌خواسته وضعیت در سوز و گداز بودن عاشق را نشان دهد).

۴۲- گزینه ۳» در بیت‌های سوم، چهارم و آخر تشبیه داریم: چشم به آینه، هستی به پول (نقد)، عشق به زنجیر.

۴۳- گزینه ۴» بررسی تشبیه در گزینه‌ها: ۱ «خار بلا» اضافه تشبیهی است: بلا (مشتبه) و خار (مشتبه‌به) / «گل چهره» صفت مرگی است که بر پایه تشبیه ساخته شده‌است: ۲ تشبیه ۲ «سیل اشک» اضافه تشبیهی است: اشک (مشتبه) و سیل (مشتبه‌به) / «خاک وجود» اضافه تشبیهی است: وجود (مشتبه) و خاک (مشتبه‌به): ۲ تشبیه ۳ قامت (مشتبه) به سرو (مشتبه‌به) تشبیه شده‌است. / عارض (مشتبه) به ماه (مشتبه‌به) تشبیه شده‌است: ۲ تشبیه ۴ «مرغ دل» و «دام زلف» و «دانه خال» و «طایر

۱. در این‌جا «ماه» نیز استعاره از «معشوق» است که در درس بعد با آن آشنا خواهیم شد.





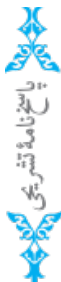
۱- دام نجات (اضافه تشبیهی) ۲- خم طرّه
دوست مانند حلقه دام است. ← ۲ تشبیه
تبصره: تشبیه «روی تو» به «عکس» در ۲ منفی
نیست؛ در این صورت، سؤال دارای خطا خواهد بود.
در این گزینه تنها یک
تشبیه دیده می‌شود: «لعل لب». هر کدام از سه
گزینه دیگر، دو تشبیه دارند: در ۱ «زیت (روغن)
فکرت» و «چراغ بلاغت» (اضافه تشبیهی) است. در
۲ «باران دمع (اشک)» اضافه تشبیهی است و
فرد گریبان، در مصراع دوم به «شمع» تشبیه شده.
در ۴ نیز شاعر یک بار خود را به «باغ بودا» و یک
بار به «آسمان شب‌زده» تشبیه کرده‌است.
در این گزینه سه تشبیه
وجود دارد: ۱- تو (مخاطب) به موج تشبیه شده
۲- عقد گوهر [مانند] خوشه است. ۳- خرمن دریا
(اضافه تشبیهی) بررسی سایر گزینه‌ها ۱- ۱- طبعم
چون بلبل است. ۲- طوطی طبع (اضافه تشبیهی)
← ۲ تشبیه ۲- ۱- خاک قناعت (اضافه تشبیهی)
۲- آب شور تمنا (اضافه تشبیهی) ← ۲ تشبیه
۳- ۱- خاکش چون سنگ سرمه، پیرایه نظرها
است. ← ۱ تشبیه

بررسی تشبیه در گزینه‌ها: ۱- ۱- خال تو به دانه
۲- زلفین تو به دام ۳- مرغ دل (اضافه تشبیهی)
← ۳ تشبیه ۲- ۱- لفظ دلارا به گل ۲- بستان
خرد (اضافه تشبیهی) ۳- منطق گویا به بلبل
۴- باغ سخن (اضافه تشبیهی) ← ۴ تشبیه ۳-
۱- تیر بلا (اضافه تشبیهی) ۲- دل به هدف
۳- تیغ جفا (اضافه تشبیهی) ۴- جان به سپر ← ۴
تشبیه ۴- ۱- بناگوش به مه ۲- بناگوش به چراغ
۳- شب زلف (اضافه تشبیهی) ۴- بناگوش به شمع
شبستان ← ۴ تشبیه

در این گزینه «۱»
دیده می‌شود: «زبان» به «سنگ»، «فم» (= دهان)
به «آهن»، و «سخن» به «آتش» تشبیه شده‌است.
بررسی سایر گزینه‌ها در ۲ تنها یک تشبیه دیده
می‌شود: «افراسیاب طبع» (اضافه تشبیهی). در
این جا، سخن از «طبع» است که به «افراسیاب»
مانند شده‌است؛ اما در ترکیب «بیژن شجاعت»
نه شجاعت به بیژن تشبیه شده‌است، نه بیژن به
شجاعت، بلکه کل این ترکیب، استعاره از ممدوح
است و به معنی کسی است که در شجاعت مانند
بیژن است؛ و چون مشبّه‌به تنها آمده تشبیه
محسوب نمی‌شود. در ۲ دو تشبیه دیده می‌شود:
«آتش عشق» و «آب تدبیر». در ۴ دو تشبیه
وجود دارد: در مصراع نخست شاعر خود را به
«بید» تشبیه کرده، و ترکیب «کمان ابرو» نیز تشبیه
دارد (کسی که ابروی او مانند کمان است).

در این بیت سه تشبیه
وجود دارد: ۱- میوه عیش ۲- نخل مراد ۳- باغ
محبت، که هر سه اضافه تشبیهی‌اند. سایر ابیات
هر کدام دو تشبیه دارند.

۱- ۱- باغ رخ ۲- بهار خط ← ۲ اضافه تشبیهی
۲- ۱- آینه جان ۲- تخته تن ← ۲ اضافه تشبیهی



آزمون ۳۱

۷۶۸- گزینه «۲» این که زهر، شیرین باشد تناقض دارد. «شکر» استعاره از «وصل یار» و «مائده درد» اضافه تشبیهی است. میان «شیرین» و «شکر» نیز تناسب برقرار است. بیت جناس و حسن تعلیل ندارد.

۷۶۹- گزینه «۱» با پارادوکس (متناقض‌نما) می‌توانیم گزینه‌های ۲ و ۴ را حذف کنیم؛ چون در این بیت هیچ دو مفهوم متضادی در یک چیز جمع نشده‌اند. با مجاز هم ۳ را رد می‌کنیم.

بررسی آرایه‌های ۱:

تشبیه: بند حرص (اضافه تشبیهی) حرص به بندی تشبیه شده که بر پا بسته می‌شود.

ایهام تناسب: «آهو» در مصراع دوم به معنی عیب است، ولی در معنای یک نوع حیوان با آهو و سگ در مصراع اول تناسب می‌سازد.

«تازی» هم در معنای تاختن قابل قبول است ولی در معنای سگ شکاری (معنای غیر قابل قبول در بیت) با سگ و آهو تناسب دارد.



استعاره (مصرّحه): «آهو» در مصراع اول استعاره از مادیات و خواسته‌های مادی است. «صحرا» در آخر بیت هم استعاره از قناعت است.

تضاد: حرص و قناعت

تبصره: مطابق سنت کنکور، استعاره مصرّحه را مجاز در نظر نمی‌گیریم، وگرنه ۲ نیز صحیح و سؤال دارای دو پاسخ خواهد بود.

۷۷۰- **گزینه «۱»** ۱ تشبیه: این عالم پرشور (مانند) یک موج سراب است. / مجاز: ندارد.

۲ **تناقض:** معموری (= آبادانی) آفاق از دل‌های خراب / **استعاره:** نرگس یا نرگس بیمار استعاره از چشم معشوق است. ۳ **حسن آمیزی:** گریه تلخ / **ایهام تناسب:** واژه «شور» ایهام تناسب دارد: ۱- شور و هیجان (معنی پذیرفتنی) ۲- مرزه شور که با تلخ فقط تناسب دارد. ۴ **تلمیح:** به سبب‌نگی و آوارگی مجنون در بیابان‌ها در منظومه عاشقانه «لیلی و مجنون» اشاره دارد. / **جناس:** سراب و شراب

۷۷۱- **گزینه «۱»** میان «سر» و «سرو» جناس برقرار است و «برگ برگ سرو» به «مژگان» تشبیه شده‌اند. هم‌چنین ترکردن همه برگ‌های سرو با اشک اغراق است. باید توجه داشته باشید که در این بیت نه ایهام داریم، نه حسن آمیزی و نه حتی استعاره! سرو در اینجا واقعاً سرو است نه معشوق! شاعر می‌گوید: من به پای قامتی در کنار سروی ناله کردم و برگ برگ سرو را مانند مژگان با اشک تر کردم (معشوق که برگ ندارد! دارد!).

۷۷۲- **گزینه «۳»** بررسی ابیات: بیت «د»: واژه «کمند» در این بیت استعاره از عشق یا زلف است. بیت «ج»: مه و پروین در این بیت مجاز از تمام ستارگان و اجرام آسمانی است.

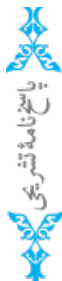
بیت «ب»: «برق عصیان» اضافه تشبیهی است و در آن، عصیان به برق تشبیه شده‌است.

بیت «ه»: «سنگ و سبوی» در این بیت تضاد است. بیت «الف»: شاعر در این بیت به صبا (باد صبا) ویژگی انسانی بخشیده‌است که تشخیص است. صبا طرّه عنبربار (زلف خوش‌بوی) معشوق را شانه زده است.

۷۷۳- **گزینه «۴»** در این بیت تشبیهی وجود ندارد. «سخن سخت» حسن آمیزی است و میان «تلخ» و «شیرین» تضاد برقرار است. **پرسی سارگزینه‌ها** در ۱، «گلستان» ایهام دارد: ۱- باغ ۲- کتاب گلستان سعدی، هم‌چنین شاعر خود را به «مرغ سخن‌دان» تشبیه کرده‌است و «خاک» مجاز از «گور» است. در ۲ مصراع دوم مثال و مصداقی برای مصراع اول است و تمامی شرایط اسلوب معادله در آن یافت می‌شود. سبویی که با خالی‌تر شدن سنگین‌تر می‌شود تناقض است. «گران‌جان» کنایه از «انسان گستاخ و پست» است. در ۳ «ماه کنعان» استعاره از معشوق است و بیت به داستان حضرت یوسف (ع) تلمیح دارد و میان «پر» و «در» جناس برقرار است.

۷۷۴- **گزینه «۲»** عبارت «دور از تو» ایهام دارد: ۱- از دوری تو ۲- از تو دور باشد (به صورت دعا). شاعر خود را به «مو» و «نال» (نی) تشبیه کرده‌است و میان «مویه» و «مویی»، «ناله» و «نالی» و نیز «حالی» و «نالی» جناس ناقص برقرار است. لاغرشدن به اندازه یک مو و نی اغراق است.

۷۷۵- **گزینه «۲»** تشخیص: هواداری کردن، از خود بیرون‌شدن و پیراهن‌دریدن برای «غنچه» تشخیص است. / **کنایه:** از خود بیرون‌شدن کنایه از بی‌قراری و شیفستگی است. هم‌چنین پیراهن‌دریدن غنچه کنایه از بی‌صبری و بی‌تابی کردن است. / **استعاره:** پیراهن استعاره مصرّحه از گلبرگ‌های گل است (تشخیص هم استعاره به حساب می‌آید).



داشته‌باشد. در این روش حواستان باشد جای آرایه‌ها در گزینه‌ها را اشتباه نکنید؛ مثلاً برای بررسی تلمیح باید دومین مورد در گزینه‌ها را نگاه کنید نه جای دیگر. **بررسی سایر آرایه‌ها در ۲:** استعاره: در بیت «د» «تبسم گل» اضافه استعاری است. همین‌طور نسبت‌دادن نالیدن و بیدل بودن به بلبل تشخیص و به تبع آن استعاره است.

تلمیح: در بیت «ج» به آیه «**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**» و این نکته که اصل انسان از عالم بالا است اشاره شده‌است.

ایهام: در بیت «ب» «کام» ایهام دارد: ۱- دهان ۲- آرزو، مراد. در این بیت «نای» هم می‌تواند ایهام تناسب داشته‌باشد: ۱- نی (مورد نظر) ۲- حلقوم (مورد نظر نیست و با لب و کام تناسب دارد).

۷۷۹- گزینه ۱: باحسن تعلیل شروع می‌کنیم. باید ابیات «ب» و «الف» بررسی شوند. در بیت «الف» هیچ حسن تعلیلی وجود ندارد؛ اما در بیت «ب» شنیدن خبر گریه شاعر توسط ابر، علت شتاب ابر است؛ پس ۳ و ۴ حذف می‌شوند. آرایه بعدی اسلوب معادله است که باید در ابیات «د» و «الف» بررسی شود. در بیت «الف» اسلوب معادله وجود ندارد و دو مصراع، ادامه هم هستند. اما بیت «د» اسلوب معادله دارد.

بررسی سایر آرایه‌ها مطابق ۱: ایهام تناسب: بیت «الف»: «صفا» ایهام تناسب دارد: ۱- پاکی و خلوص (معنی قابل قبول) ۲- بلندی در سرزمین عربستان که بخشی از مناسک حج در آن انجام می‌شود (معنی غیر قابل قبول که با مره تناسب دارد). هم‌چنین واژه «سعی» ایهام تناسب دارد: ۱- یکی از مناسک حج (معنی قابل قبول) ۲- تلاش که با «کوشیم» تناسب دارد (معنی غیر قابل قبول). **استعاره:** بیت «ه»:

۷۷۶- گزینه ۱: در بیت «ج» به زندگی یوسف (ع) اشاره شده‌است. در بیت «ب» «روح» به «کشتی» تشبیه شده‌است. در بیت «الف»، این که مرگ زندگی باشد و زندگی مرگ باشد، تناقض است. در بیت «ه» «شه» استعاره از «مطلوب» است. در بیت «د» میان «کوه» و «گاه» جناس ناقص اختلافی برقرار است.

۷۷۷- گزینه ۲: **بررسی ابیات:** «الف»: در این بیت دل معشوق به سنگ، اندام او به سیم (= نقره) و خود او به مُشک تشبیه شده‌است. «ب»: شاعر برای تیرگی زلف معشوق دلیل شاعرانه ذکر کرده‌است. «ج» در این بیت واژه «حرف» مجاز از سخن است. «د»: «حلاوت سخن» و «سخن تلخ» حس آمیزی است. «ه»: این بیت اسلوب معادله دارد. هر مصراع بیت از لحاظ دستوری یک جمله مستقل است و مصراع دوم مصداق محسوس مصراع اول است.

۷۷۸- گزینه ۲: از میان آرایه‌های ذکرشده، «**تناقض**» را انتخاب می‌کنیم؛ چون هم یافتن آن نسبتاً راحت است و هم جایگاه آن مشخص است (در اول یا آخر مجموعه آرایه‌هاست و سریع‌تر قابل انطباق است). از میان بیت‌های «الف» و «ب»، بیت «الف» دارای آرایه تناقض است (آبادبودن از خراب) ← بنابراین ۱ و ۴ حذف می‌شوند. تلمیح کمکی به ما نمی‌کند؛ بنابراین سراغ «**تشبیه**» می‌رویم که همواره یافتن آن بی‌دردسر و یا کم‌دردسر است. از میان ابیات «د» و «ه»، بیت «ه» تشبیه دارد و به گزینه دوم می‌رسیم.

به بررسی سایر آرایه‌ها نیازی نیست؛ ولی برای اطمینان از پاسخ خود حتماً سایر بیت‌هایی که در گزینه پاسخ آمده‌اند را بررسی کنید. یعنی بررسی کنید در بیت «د» استعاره، در بیت «ج» تلمیح و در بیت «ب» ایهام وجود



تشبیه: طوفان بلا و سیل غم اضافه تشبیهی هستند. / استعاره: خانه استعاره از وجود شاعر است.

دامن فرصت اضافه استعاری است، بی‌تاب بودن دل نیز تشخیص است. / تشبیه: بیت «ج»: شاعر تن انسان را به هدفی برای تیر قضا تشبیه کرده‌است. «ناوک قضا» نیز در این بیت می‌تواند اضافه تشبیهی در نظر گرفته شود.

❖ ۷۸۰- گزینه «۳» ابیات «د» و «الف» هر دو حس‌آمیزی دارند («عیش شیرین» و «چشم شور» در بیت «الف» و «مرگ تلخ» در بیت «د») اما تنها در بیت «ب» حسن تعلیل داریم: شاعر خاموشی شمع را در روز با این دلیل شاعرانه و غیرواقعی توضیح داده: نفسی او خرج آه سحر شده و در طول روز دیگر نفسی ندارد (توجه کنید که دلیل واقعی، روشن بودن هوا در روز است که باعث می‌شود نیازی به شمع نباشد). در بیت «ه» «فراموشی» و «یادکردن» تضاد دارند. در بیت «ج» شاعر مخاطب را به «قصر حباب» تشبیه کرده و «چو» ادات تشبیه است. توجه کنید که تنها در بیت «ب» اسلوب معادله داریم و می‌توانستید تست را با همین آرایه نیز پاسخ دهید!

❖ ۷۸۱- گزینه «۴» ابتدا سراغ تشخیص می‌رویم: ۱ و ۲ تشخیص ندارند. تشخیص، نوعی استعاره است؛ بنابراین از بررسی استعاره صرف نظر می‌کنیم و ابهام را انتخاب می‌کنیم. ۳ هم حذف می‌شود، چون ابهام ندارد.

بررسی آرایه‌های ۴: تشخیص و استعاره: جامه‌دریدن عمل انسان است و نسبت‌دادن آن به گل تشخیص است. درضمن «وصال گل» نیز در «گل» ایجاد تشخیص می‌کند. / ابهام: بو: ۱- آرزو ۲- رایحه / کنایه: جامه‌دریدن کنایه از نهایت شور و شادی است؛ در کل «جامه‌دریدن» می‌تواند کنایه از بی‌قراری و نهایت اندوه نیز باشد.

❖ ۷۸۲- گزینه «۴» در ۱ و ۲ تشبیه وجود ندارد و در ۳ استعاره. اما در ۴ هر دو آرایه وجود دارد: